

## قیام ۲۹ بهمن تبریز، رهبری و اسناد محرمانه

اصغر حیدری

### انتشار مقاله روزنامه/اطلاعات و قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم

در تاریخ اول آبان ۱۳۵۶ فرزند بزرگوار و آتیه‌دار حضرت امام یعنی آیت‌الله مصطفی خمینی در نجف به صورت مشکوک و شهادت‌گونه درگذشت. برپایی مجالس ترحیم آن مرحوم در جای جای ایران بار دیگر نام خمینی را زنده ساخت و گروه‌های مذهبی را به هم پیوست. این امر برخلاف خواسته رژیم پهلوی بود که می‌کوشید نام و یاد امام خمینی به فراموشی کامل سپرده شود. پرویز ثابتی مدیر امنیت داخلی ساواک در مورد تأثیر مجالس ترحیم مرحوم آقا مصطفی خمینی می‌گوید:

بیش‌ترین تجهیز و به هم پیوستگی گروه‌های مذهبی در سال ۱۳۵۶ پس از مرگ مصطفی خمینی در عراق در جریانات برگزاری مجالس ختم و ترحیم او حاصل شد. من چندین گزارش برای شاه فرستادم که ختم پسر خمینی یک ختم معمولی نیست و آخوندی که در این مجالس به منبر می‌رود به صحرای کربلا [گریز] می‌زند و اعلیحضرت را صریحاً





و تلویحاً به معاویه و یزید و ما [ساواک] را با شمر برابر و مردم را تحریک می‌کند و تدریجاً مردم تهییج و بسیج و به خیابان‌ها می‌ریزند. شاه می‌گفت: «جلوی ختم‌ها را نگیرید، اگر در خارج از مسجد و در خیابان‌ها به راه افتادند آن وقت جلوگیری کنید.»

این اجتماعات و ترحیم‌ها به مدت ۴۰ روز در سراسر کشور برقرار شد و زمینه‌های بسیج و تشنج و اغتشاش را فراهم کرد. وقتی شاه احساس خطر کرد و دستور داد آن مقاله معروف علیه خمینی منتشر شود، دیگر به سادگی امکان‌پذیر نبود که کنترل سابق برقرار شود و باید شدت عمل بیش‌تری نشان داده می‌شد.<sup>۱</sup>

پس از پایان مجالس ترحیم، حضرت امام در پیام‌هایی ضمن تشکر از ابراز تسلیت‌ها نوشتند که وفات پسر ممصطفی گرچه ناگوار است ولی با مظلوم و فجایی که شاه در ایران بر مردم روا می‌دارد قابل قیاس نیست.

شاه که از برگزاری چهل روزه مجالس ترحیم و روشنگری‌های ناشی از آن و نیز زنده شدن نام و یاد خمینی عصبانی بود، با مطالعه گزارش ساواک از پیام‌های امام خشمش فزونی یافت، ابلهانه زبان به فحاشی گشود و به نصیری رئیس ساواک گفت:

این مرد عقب‌مانده و عامل اجنبی جسارت را از حد گذرانیده است، دستور دهید دو مقاله تهیه و در آنها به سوابق خانوادگی او که به وسیله انگلیسی‌ها از هندوستان به ایران آورده شده‌اند و مخالفت او با اصلاحات ارضی و حقوق زنان و برنامه‌های اصلاحی مملکت تهیه شود تا ملاحظه و دستور چاپ آنها در مطبوعات داده شود.<sup>۲</sup>

پرویز ثابتی پس از نقل جملات شاه اضافه می‌کند:

شاه به نصیری رئیس کل ساواک دستور داد مقالاتی علیه خمینی نوشته شود. نصیری هم به من دستور داد. من هم به قسمت مربوطه دستور تهیه دو مقاله را دادم. همچنین شاه به هویدا که در آن زمان وزیر دربار بود نیز دستور تهیه یک مقاله علیه خمینی را داد. هویدا به فرهاد نیکوخواه مشاور مطبوعاتی وزیر دربار این مأموریت را محول کرد. مقاله به وسیله علی شعبانی مقاله‌نویس نیکوخواه آماده شد. هویدا آن را پیش

۱. عرفان قانعی فرد، در دامگه حادثه، گفت‌وگویی با پرویز ثابتی مدیر امنیت داخلی ساواک، امریکا، کتاب، ۲۰۱۲م، ص ۳۴۱.  
۲. همان، ص ۴۰۱-۴۰۰.

شاه برد و پس از تأیید شاه در یک پاکت در بسته با مهر وزارت دربار به دفتر داریوش همایون وزیر اطلاعات فرستاده شد و در اختیار روزنامه *اطلاعات* قرار گرفت. حوادث قم روی داد و نصیری دو مقاله من را که از طرف ساواک تهیه شده بود، پیش شاه برد و به علت وقایع قم انتشار آن دو مقاله منتفی گردید.<sup>۱</sup>

طبق گزارش محرمانه ساواک، پس از کشتار ۱۹ دی سناتور دکتر محمدحسین موسوی از طرف شخص شاه به قم رفته و با آیت الله سید محمد کاظم شریعتمداری دیدار و گفت و گو کرد. در این دیدار موسوی مقداری روزنامه و مجلات خارجی را از کیف در آورده و بعضی جاهای آن را که علامت زده شده بود به آیت الله شریعتمداری نشان داد و گفت:

اعلیحضرت می فرمایند شما ببینید خمینی در چند مورد به ما و پدرمان توهین کرده حالا اگر ما یکبار جواب او را بدهیم این همه سر و صدا دارد؟ این کار درستی است که او فحاشی کند آن هم کراراً در حالی که ما فقط یکبار جواب دادیم؟

از سوی دیگر معلوم شده که مقاله با مراجعه به نوشته های شاه در کتاب *انقلاب سفید* نگارش یافته و پس از مطالعه و دستکاری وی برای چاپ فرستاده شده است. در کتاب *انقلاب سفید* نسبت هایی به حضرت امام داده شده و جملاتی به کار رفته است که در مقاله تکرار شده اند. در کتاب مذکور آمده است:

... در همان موقع پیش بینی کردم که مسلماً عوامل ارتجاع سیاه که به خاطر حفظ منافع خود مایل اند ملت ایران در غرقاب مذلت و فقر و بی عدالتی بماند و قوای مخرب سرخ که هدف آنها اضمحلال مملکت است، در تخریب این برنامه خواهند کوشید. بلافاصله اقدامات تخریبی فراوانی آغاز شد که مهم ترین آنها بلوای جنوب و غائله نامیمون تهران در خرداد ماه [۱۳۴۲] بود. این غائله به تحریک عوامل ارتجاع توسط شخصی صورت گرفت که مدعی روحانیت بود ولی اصلاً معلوم نبود خانواده وی از کجای دنیا آمده است؟ اما در عوض مسلم بود که این شخص ارتباط مرموزی با عوامل بیگانه دارد... بلوای ۱۵ خرداد ۴۲ بهترین نمونه اتحاد نامقدس دو جناح ارتجاع سیاه و قوای مخرب سرخ بود.<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۴۰۶-۴۰۲.

۲. محمدرضا پهلوی، *انقلاب سفید*، متن خلاصه شده، آموزش و پرورش، ص ۵۱-۵۰.





محمد رضا پهلوی پس از فرار از ایران در کتاب *پاسخ به تاریخ*<sup>۱</sup> نیز جملاتی شبیه به جمله‌های ذکر شده از کتاب *انقلاب سفید* را در یادآوری از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به کار برده است.

روزنامه *اطلاعات* در ۱۷ دی ۱۳۵۶ طی مقاله‌ای تحت عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» به قلم مستعار احمد رشیدی مطلق به فحاشی و جسارت نسبت به حضرت امام خمینی (ره) پرداخت. در بخشی از این مقاله آمده بود:

...پس از بلوای ۱۵ خرداد [۱۳۴۲] که به منظور متوقف ساختن و ناکام ماندن انقلاب در خشان شاه و ملت پایه‌ریزی شده بود، کسانی که واقعه را مطالعه می‌کردند دچار یک نوع سرگیجی عجیبی شده بودند زیرا در یک جا رد پای استعمار سیاه و در جای دیگر اثر انگشت استعمار سرخ در این غائله دیده می‌شد.

در ادامه مقاله، نویسنده با کلمات زشتی از حضرت امام خمینی یاد کرده و ایشان را به صفاتی چون: شهرت‌طلبی، ماجراجویی، بی‌اعتقادی، وابسته به مراکز استعماری و... متهم نموده بود. گویا پدر بزرگ حضرت امام که سید احمد نام داشت، چند سالی در هند اقامت نموده و به این خاطر به سید احمد هندی معروف گشته بود.<sup>۲</sup> اما نویسنده مغرض مقاله کذایی تحت تأثیر احساسات پلید خود و فرمانبری از اربابش محمد رضا پهلوی که دستور مستقیم نگارش و چاپ مقاله را داده بود، امام را سید هندی خوانده و نوشت: در باره انتساب او به هند به قولی مدتی در هندوستان به سر برده و در آنجا با مراکز استعماری انگلیس ارتباطاتی داشته و به همین جهت به نام سید هندی معروف شده است.

انتشار مقاله توهین‌آمیز روزنامه *اطلاعات*، خشم شدید مردم، طلاب و روحانیون شهر قم را برانگیخت. در ۱۸ دی ۱۳۵۶ درس‌های حوزه علمیه و نمازهای جماعت و منبرها در آن شهر در اعتراض به مقاله کذایی تعطیل و در مسجد اعظم شعار «درو بر خمینی» و «مرگ بر حکومت پهلوی» طنین‌انداز شد.

روز ۱۹ دی ماه شهر قم شاهد تظاهرات بزرگ طلاب، روحانیون و مردم بود که توسط نیروهای سرکوب‌گر رژیم به خاک و خون کشیده شد. این کشتار در واقع جرقه‌ای بر انبار باروت انقلاب اسلامی زد.

۱. محمد رضا پهلوی، *پاسخ به تاریخ*، شهریار ماکان، تهران، شهر آشوب، ۱۳۷۱، ص ۳۷-۳۸.  
 ۲. حامد الگار، *انقلاب اسلامی در ایران*، ترجمه مرتضی اسدی و حسن چیذری، تهران، قلم، ۱۳۶۰، ص ۶۱.



## قیام ۲۹ بهمن تبریز

اعتراض و خروش مردم قم با کشتار ۱۹ دی در ظاهر به خاموشی گرایید. اما چهل روز بعد نهال خونین و شکسته قیام قم را قیام ۲۹ بهمن تبریز با خون سرخ خویش آبیاری نمود. اگر قیام تبریز نبود، خون مردم مظلوم قم به هدر می‌رفت و برق انقلاب در آسمان تیره و تار ایران نمی‌درخشید. این بار نیز آذربایجان ثابت کرد که در راه حفظ دین و مرجعیت از پیشروان و پیشگامان است.

در این روز به مناسبت چهلم شهدای قم از سوی آیات عظام تقلید عزای عمومی اعلام گردید و به دعوت شهید آیت‌الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی<sup>۱</sup> بازار، مغازه‌ها و

۱. شهید آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی، در سال ۱۲۹۳ شمسی در تبریز متولد شد. در سال ۱۳۱۶ به دلیل شرکت پدرش در قیام مردم تبریز علیه رضاخان، به اتفاق پدر به تهران تبعید گردید و پس از چند ماه تبعید در تهران و ری به تبریز بازگشت. در سال ۱۳۱۸ جهت ادامه تحصیل علوم دینی به قم عزیمت کرد و در سال ۱۳۲۸ راهی نجف گردید و در این دو شهر از محضر علما و بزرگان کسب فیض نمود. شهید قاضی طباطبایی در سال ۱۳۴۱ با شروع نهضت اسلامی، به علت فعالیت علیه رژیم توسط مأموران دستگیر و به زندان قزل قلعه منتقل و سپس به شهرهای بافت و کرمان و زنجان و پس از آن به عراق تبعید شد؛ ولی پس از یک سال به ایران بازگشت و به هدایت مردم و روشنگری و تبلیغ اسلام پرداخت و تا پیروزی انقلاب اسلامی به مبارزات خود و ارشاد مردم ادامه داد. با پیروزی انقلاب اسلامی از سوی حضرت امام خمینی (ره) امام جمعه تبریز گردید. در دهم آبان ۱۳۵۸ شمسی، مصادف با عید قربان نماز عید را اقامه کرد و شب هنگام در راه مراجعت به منزل توسط گروهک فرقان مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به فیض شهادت نائل گردید. برای توضیح بیش‌تر راجع به ایشان ر.ک رحیم نیکبخت و صمد اسماعیل‌زاده: زندگی و مبارزات شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.



مکان‌های عمومی تبریز تعطیل شدند. مراسم ختم و بزرگداشت شهدای قم در مسجد میرزا یوسف (قزلی) برگزار می‌گشت. مردم تبریز برای شرکت در مراسم به مسجد قزلی رهسپار شدند. اما پلیس مسجد را بسته و از ورود مردم جلوگیری نمود.



حدود بیست هزار نفر در اطراف مسجد گرد آمدند. مقصود حق‌شناس (که بعد از پیروزی انقلاب محاکمه و در تاریخ ۱۳/۳/۱۳۵۸ اعدام شد) رئیس کلانتری ۶ (بازار تبریز) اعلامیه عزای عمومی مراجع را از دیوار کنده ضمن توهین به مراجع با اشاره به مسجد گفت: «در طول به‌سته است، دنبال کارتان بروید!» این توهین آشکار خشم یکی از جوانان انقلابی به نام محمد تجلار را برافروخت چنان که سیلی محکمی به گوش حق‌شناس کوبید. در مقابل حق‌شناس با اسلحه کلت سینه محمد تجلار را نشانه رفته شلیک کرد و وی را به شهادت رسانید.

شلیک‌های هوایی متعاقب آن و حمل جنازه خونین شهید توسط مردم، قیام ۲۹ بهمن تبریز را آفرید. گردانندگان جریان قیام، از پیش برنامه خود را ترتیب داده و مراکزی را که باید توسط مردم و در مخالفت با رژیم مورد هجوم قرار می‌گرفتند، تعیین کرده بودند. به گفته آقای عبدیزدانی از فعالان قیام:

شبانۀ تعداد زیادی تراکت با مضمون «آذربایجان بپاخیز» چاپ و به طور وسیعی در سطح شهر پخش گردید. با شروع قیام تلفن‌های مبارزین بی‌نام و نشان حتی به دور دست‌ها به کار افتاد که قیام شروع شد... در عرض چند دقیقه از تمام نقاط شهر حمله و تخریب و آتش‌سوزی بانک‌ها و مراکز فساد و کاباره و مشروب‌فروشی‌ها و کاخ جوانان شروع شد و کوکتل مولوتف و وسایل محترقه عادی که از مدتی قبل آماده شده بودند به کار افتادند... در جریان قیام دیناری و اشیایی از مراکز آسیب‌دیده به غارت نرفت.<sup>۱</sup>



در اولین مرحله قیام، مردم به طرف افراد پلیس مستقر در اطراف مسجد قزلی هجوم برده و خودروهای آنها را به آتش کشیدند. جمعیت با شعارهای «مرگ بر شاه» و «درود بر خمینی» از محوطه بازار خارج شده و به شعبه‌های بانک صادرات، سینماها، مشروب‌فروشی‌ها، مرکز حزب رستاخیز و خودروهای متعلق به آن، مجسمه‌های شاه،

۱. محمدحسن عبد یزدانی، اعدام‌کنید، خاطرات محمدحسن عبد یزدانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۷-۲۶۵.





کارخانه پپسی کولا (متعلق به بهایی‌ها)، هتل اینترنشنال، خودروهای ارتشی و دولتی و... حمله کرده آنها را به آتش کشیدند.

تعدادی از مزدوران لباس شخصی ساواک که در بین مردم بودند و مأموریت داشتند مسیر اعتراض‌ها را منحرف و قیام را بدنام سازند، کوشیدند مردم را به خرد کردن و آتش زدن مغازه‌های شخصی و پرورشگاه کودکان وادارند. اما با هوشیاری دانشجویان انقلابی که خود را سپر ورود مردم به پرورشگاه کردند و با فریاد گفتند: «این کار انحراف در انقلاب است!»، شناسایی شده و نقشه پلید آنها خنثی گردید.<sup>۱</sup> چنین اموری از نقشه‌های اهریمنی کارگزاران رژیم در تبریز بود که با به کارگیری نیروهای مزدور لباس شخصی، چهره پاک انقلاب را مشوش سازند. سند منتشر نشده اداره کل رمز و محرمانه دربار شاهنشاهی نشان می‌دهد که یک‌صد نفر از این مزدوران با دست‌مزد روزانه ۴۰۰ ریال استخدام شده بودند و به پلیس تبریز در سرکوب‌ها یاری می‌نمودند.



۱. نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)، درباره قیام حماسه آفرینان قم و تبریز، مجموعه اول، دوم و سوم، اسفند ۱۳۵۶، ص ۷۷.



در ۲۹ بهمن چون نیروهای پلیس تاب مقاومت در برابر سیل مردم خشمگین را نیاورده مضر و فراری شدند، رژیم از دو راه بر توان نظامی خود در تبریز افزود:

۱. موضوع نیاز فوری به قوای کمکی به تهران ابلاغ گردید. به سرعت سه فرزند هواپیمای سی ۱۳۰ از تهران نیروهای ویژه سرکوب را به تبریز منتقل نمودند.<sup>۱</sup>

۲. از ساعت ۱۱/۳۰ پیش از ظهر واحدهای مسلح ارتش همراه با چند دستگاه تانک و کامیون‌های نظامی وارد صحنه شدند و سربازان مردم را هدف گلوله قرار دادند. در نتیجه جمعی مجروح و تعدادی به شهادت رسیدند. در مقابل، مردم با سنگ و آجر به کامیون‌ها و سربازان حمله کردند. درگیری خونین تا ساعت ۳ بعد از ظهر ادامه داشت. تعداد فراوان ارتشیان سرکوب گر نشان‌دهنده ترس شدید کارگزاران رژیم از قیام خونین مردم تبریز بود. به یقین دستور سرکوب خونین توسط شخص شاه صادر گشت. او فرمانده کل قوا بود و آمدن قوای ارتشی به خیابان‌ها فقط با دستور وی ممکن بود!

دود و آتش از نواحی مختلف شهر بلند بود. گلوله از هر طرف به سوی مردم بی‌دفاع می‌بارید. تیراندازی تا ساعت ۱۲ شب ادامه داشت. بیمارستان‌ها پر از مجروح و شهید شدند. در شهر حکومت نظامی اعلام گشت. در جریان قیام، ۲۶ شعبه بانک صادرات، ۵ شعبه بانک ملی، ۵ شعبه بانک بازرگانی، ۴ شعبه بانک تهران، ۲ شعبه بانک ایرانشهر، ۳ شعبه بانک سپه، یک شعبه بانک عمران و ۲ شعبه بانک شهریار به آتش کشیده شدند و بیش از ۵۰ بانک مختلف ویران گردیدند. ساختمان حزب رستاخیز با ۱۴ خودروی متعلق به آن، ساختمان کاخ جوانان، شهرداری منطقه شرق، کارخانه پپسی کولا، سازمان تعاونی، ۴ سینما، ۳۵ خودروی ارتشی و دولتی به آتش کشیده شدند و شیشه‌های اداره اوقاف، شهرداری منطقه غرب، هتل کارون، هتل آسیا، ۵ سینما، ۸ مشروب‌فروشی، خانه فرهنگ، انیستیتو بازرگانی، مدرسه عالی بهداشت و دانش‌سرای هنر شکسته شدند.<sup>۲</sup>

سواوک در گزارش محرمانه‌ای ضمن توضیح چگونگی قیام مردم تبریز، مراکز مورد حمله قرار گرفته و میزان خسارت آنها را به تفکیک مشخص کرده است. در این گزارش

۱. خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عبدالحمید بنایی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶.

۲. نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)، همان، ص ۷۹-۷۴.



قید شده که «۶ نفر کشته، ۱۲۵ نفر مجروح و ۲۱۰ نفر دستگیر شده‌اند. ۶ نفر از مأموران انتظامی از جمله دو افسر پلیس نیز مجروح گشته‌اند.»<sup>۱</sup> اما طبق اطلاعات بعدی تعداد شهدای خونین کفن قیام ۲۹ بهمن تبریز به ۱۲ نفر بالغ گشت که عبارت‌اند از:

محمد تجلّاء، جعفر درگاهی، اصغر علیزاده، قربانعلی شاکری، بالاآقا کشاورزی، سیدفیض صالح، غلامعلی نجفیان پور، محرم جبرائیلی، سیدحسن جدیری، محمدباقر رنجبر، پرویز احسن زاده، بهمن اره‌چی، حبیب نقی نژاد و ضربعلی فتیحی.

شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی خواستار کمک به خسارت دیدگان قیام، خانواده‌های شهدا، مجروحین و دستگیرشدگان شد. آقای عبدالحمید بنابی همراه چند نفر دیگر برای بررسی وضع دستگیرشدگان به زندان تبریز رفت. مسئولان زندان همکاری کردند و او آدرس منازل، وضع خانوادگی و مشکلات آنها را نوشت و به آیت‌الله قاضی طباطبایی داد. بازاربان متعهد و انقلابی تبریز مساعدت و کمک قابل توجهی به خانواده‌های شهدا، مجروحان و زندانیان کردند.<sup>۲</sup>

قیام ۲۹ بهمن تبریز آشکارا به رژیم ستم‌شاهی نشان داد که قیام علیه رژیم در

۱. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ص ۱۴-۱۱.

۲. خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عبدالحمید بنابی، ص ۱۵۱-۱۵۰.

چهار گوشه کشور گسترش یافته و نمی‌توان آن را با کشتار در یک شهر خفه نمود. به نوشته امریکایی‌ها ناراحتی شاه از قیام ۲۹ بهمن تبریز به حدی بود که پنج روز دچار بی‌خوابی شد!<sup>۱</sup>

قیام سایر شهرها و مناطق کشور در چهلم شهدای تبریز متلاشی شدن رژیم پهلوی را سرعت بخشید. تأثیر عمیق قیام تبریز به حدی بود که رژیم در اقدامی فریبکارانه هیئت بلند پایه‌ای به ریاست ارتشبد جعفر شفقته معاون رئیس ستاد مشترک ارتش<sup>۲</sup> با عضویت سپهبد ناصر فیروزمند رئیس بازرسی ویژه نظامی در ستاد مشترک، سرلشکر محمد رحیمی قائم مقام فرمانده اطلاعات و عملیات نیروی زمینی ارتش و سرلشکر بازنشسته حبیب بیت‌اللهی که پیش‌تر در رکن دوم اطلاعات و عملیات ستاد مشترک فعالیت داشت، را برای رسیدگی به علل و انگیزه‌های حادثه تبریز اعزام داشت. آنان مدتی به بررسی پرداختند. در جلسه هیئت مذکور با بزرگان و علمای تبریز، روحانیون حاضر علت‌ها و انگیزه‌های حرکت مردم را به اطلاع آنها رسانیدند. در نامه بسیار مهمی که جمعی از این علما چون: شهید قاضی طباطبایی، سیدحسین انگجی، کاظم دینوری، سیدمحمد انگجی، عبدالحمید شریانی، عبدالله مجتهدی سراپی، عبدالحمید باقری بنابی، حسن ناصرزاده و... خطاب به هیئت نوشتند، آمده بود:

هیئت عالییه بازرسی اعزامی، جناب تیمسار ارتشبد شفقته

نظر روحانیت تبریز را در جریانات اخیر اعلام می‌دارد:

۱. حادثه اسفبار قم که منجر به قتل عده‌ای بی‌گناه گردید، احساسات مذهبی مردم سرتاسر کشور را جریحه‌دار ساخت.
۲. تا چهل روز کوچک‌ترین قدمی در جبران و تدارک آن حادثه مؤلمه از طرف مقامات برداشته نشد.
۳. مردم تبریز طبق دستور مراجع عظام تقلید با ایمان به نظم و

۱. اسنادلانه جاسوسی آمریکا، تهران، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲. جعفر شفقته در ۱۲۹۴ در تبریز متولد شد. او پس از طی دوره ابتدایی و متوسطه در ۱۳۱۲ وارد دانشکده افسری شد و درجه افسری گرفت و خدمات نظامی خود را در صف آغاز کرد. در همان ایام دوره دانشکده حقوق را به پایان رسانید و به خدمت در گارد سلطنتی مشغول شد و سرانجام به فرماندهی گارد جاویدان منصوب گردید. از اهم مشاغل او در آن دوره فرماندهی لشکر رضائیه [ارومیه] و فرماندهی لشکر تبریز بود. چندی هم رئیس ستاد نیروی زمینی و معاون نیرو بود تا به فرماندهی ارتش دوم منصوب شد. بعد ژنرال آجودان شاه و رئیس سران نظامی بود تا به قائم‌مقامی ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران برگزیده شد. پس از قیام ۲۹ بهمن تبریز سپهبد آزموده از استانداری آذربایجان شرقی عزل و به تهران احضار شد و به جای او ارتشبد جعفر شفقته استاندار آذربایجان گردید. شفقته در دی ماه ۱۳۵۷ در دولت شاپور بختیار مقام وزارت جنگ را به عهده گرفت. با اوج‌گیری انقلاب از کشور گریخت و در سال ۱۳۷۹ در خارج از کشور درگذشت.





آرامش، اربعین مظلومین قم را که به عنوان عزای عمومی اعلام شده بود، به سوگ و ماتم می‌پرداختند.

۴. پلیس در مسجد را بسته و مأمورین خود را مستقر ساخت و از ورود به مسجد ممانعت کرد. خشونت و فحاشی و شروع به تیراندازی که منجر به قتل گردید، منشأ انفجار گردید و زمینه برای وضع موجود فراهم شد.

۵. خواسته‌های حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی آقای شریعتمداری و سایر مراجع تقلید خواسته علمای اعلام است.

۶. بی‌اعتنایی به خواسته‌های مردم مسلمان کشور و اظهار نظر ناهلان در مسائل اسلامی در جراید و غیره سبب انزجار و عصبانیت افکار شده [است]...<sup>۱</sup>

با تصمیم سران رژیم از جمله شاه و جمشید آموزگار نخست‌وزیر، سپهبد اسکندر آزموده استاندار آذربایجان شرقی که از دی ۱۳۵۳ استانداری را برعهده داشت، در نهم اسفند ۱۳۵۶ از آن مقام عزل شد و ارتشبد جعفر شفقمت معاون رئیس ستاد مشترک ارتش به استانداری آذربایجان شرقی منصوب شد.

### امام خمینی (ره) و قیام ۲۹ بهمن تبریز

رهبر انقلاب توفنده مردم مسلمان ایران بی‌شک و شبیه حضرت امام خمینی (ره) بودند. ایشان جریان انقلاب را در مناطق گوناگون کشور توسط شاگردان روحانی خویش و مؤمنین آگاه اداره می‌کردند. اداره امور انقلاب در آذربایجان در دست توانای شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی قرار داشت که مشهور به «خمینی آذربایجان» بود. کسانی که

۱. رحیم نیکبخت و صمد اسماعیل‌زاده، زندگی و مبارزات شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی، سندش ۶۱.  
 ۲. سپهبد اسکندر آزموده فرزند محمود در سال ۱۲۹۱ ش در تهران متولد شد. در سال ۱۳۱۲ وارد ارتش شد و در ۱۳۲۴ سروان پیاده گردان یکم هنگ ششم بود که به منظور مقابله با ارتش پیشه‌وری به آذربایجان اعزام شد. در ۱۳۳۲ در توطئه براندازی دولت دکتر محمد مصدق، فرمانده هنگ پهلوی بود و با عوامل کودتا همکاری نمود. پس از بازگشت محمدرضا پهلوی به کشور به درجه سرهنگ تمامی ترفیع یافت و نشان رستاخیز درجه یک نیز به وی داده شد. پس از مدتی به عنوان معاون نماینده نظامی ایران به انگلستان مأمور شد و در عین حال به فراگرفتن دوره تاکتیک نظامی پرداخت. وی پس از گذراندن دوره موشک در آمریکا به ایران بازگشت و با درجه سرلشکری به فرماندهی لشکر آذربایجان و فارس منصوب شد. در قیام خرداد ۱۳۴۲ او که فرمانده لشکر تبریز بود با اجرای طرح «شیر» و آماده‌باش همه نیروها از هر حرکتی در تبریز جلوگیری کرد و تقدیرنامه‌ای نیز در این خصوص دریافت داشت. چندی بعد به سپهبدی و آجودان‌لشکری شاه ارتقاء یافت. پس از بازنشستگی در سال ۱۳۴۷ از سوی جمشید آموزگار وزیر دارایی دولت هویدا، به معاونت وزارت دارایی و سرپرستی کل گمرک منصوب شد و تا سال ۱۳۵۲ در این مقام ماندگار بود. او از دی ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ استانداری آذربایجان شرقی را برعهده داشت. پس از قیام ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ مردم تبریز، شاه او را مقصر اصلی دانست و در نهم اسفند از استانداری عزل و به تهران فراخوانده شد. پس از عزل از استانداری به انگلستان رفت و در سال ۱۳۷۷ در همان کشور درگذشت.



با شهید قاضی طباطبایی نشست و برخاست داشتند نیز به این واقعیت معترفاند.<sup>۱</sup> در این مورد ساواک آذربایجان شرقی در تاریخ سوم دی ماه ۱۳۵۷ در گزارش محرمانه‌ای به ساواک مرکز چنین نوشت:

عامل اصلی کلیه اعتصاب‌ها، اغتشاشات و خون‌ریزی یک سال اخیر آذربایجان به ویژه تبریز میرزا محمدعلی قاضی طباطبایی می‌باشد. بدون اقدام اساسی درباره وی فکر هرگونه آرامش و امنیت این منطقه بی‌تأثیر و آب در هاون کوبیدن می‌باشد. اصلح است هر چه زودتر نسبت به دستگیری و طرد وی از منطقه اقدام گردد. نامبرده در گفتار خود بی‌پروا به مقامات مملکتی اهانت می‌کند.<sup>۲</sup>

قیام ۲۹ بهمن تبریز بخشی از انقلاب بزرگ مردم ایران به رهبری حضرت امام بود. زمانی که خبر قیام تبریز و کشتار مردم به اطلاع حضرت امام رسید، ایشان در هشتم اسفند ۱۳۵۶ پیام بسیار مهمی صادر فرمودند و ضمن دفاع از مردم مسلمان تبریز و محکوم نمودن و حشیگری‌های کارگزاران و مأموران رژیم، مردم را به تداوم انقلاب فراخواندند. در این پیام چنین آمده بود:

سلام بر اهالی شجاع و متدین آذربایجان عزیز! درود بر مردان برومند و جوانان غیرتمند تبریز! درود بر مردانی که در مقابل دودمان بسیار خطرناک پهلوی قیام کردند و با فریاد «مرگ بر شاه» خط بطلان بر گزافه‌گویی‌های او کشیدند! زنده باشند مردم مجاهد عزیز تبریز که با نهضت عظیم خود مشقت محکم بر دهان یاوه‌گویانی زدند که با بوق‌های تبلیغاتی، انقلاب خونین استعمار را که ملت شریف ایران با آن صد در صد مخالف است «انقلاب سفید شاه و ملت» می‌نامند و این نوکر اجانب و خودباخته مستعمرین را نجات‌دهنده کشور می‌شمارند.

مردکی نجات‌دهنده کشور است که مخازن بزرگ ثروت این ملت مظلوم را دو دستی تقدیم اجانب نموده و آن پول ناچیز را که می‌گیرد تقدیم می‌کند و در مقابل، آهن‌پاره‌هایی می‌گیرد که هیچ دردی از ملت دوا نمی‌کند! آن شخصی نجات‌دهنده است که با مصونیت دادن اتباع اجانب، کشور را از حیثیت ساقط و به شکل مستعمره عقب‌افتاده

۱. مانند آقای عبدالحمید بنایی در: *خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عبدالحمید بنایی*، ص ۱۴۲.  
 ۲. *آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی*، شماره بازبایی ۱۰۰۸، ص ۶۵.



در آورده است! مردکی حافظ آزادی ملت است که در سرتاسر کشور، احدی را حق یک کلمه حق گویی و انتقاد نمی‌دهد و پلیس ننگینش بر سر این ملت مظلوم سایه افکنده! شاهی عدالت گستر است که در هر چند گاهی با قتل عام، ملتی را به عزا می‌نشانند!

من نمی‌دانم با چه زبانی به اهالی محترم تبریز و به مادران داغ‌دیده و پدران مصیبت کشیده تسلیت بگویم؛ با چه بیان این قتل عام‌های پی در پی را محکوم کنم. من از مقدار جنایات و عدد مقتولین و مجروحین اطلاع صحیح ندارم ولی از بوق‌های تبلیغاتی معلوم می‌شود که جنایات‌ها بیش از تصور ما است. با این وصف، شاه افراد پلیس را که به قتل عام به دلخواه او دست زده‌اند به محاکمه می‌خواهد بکشد. خاطره بسیار اسفانگیز قم هنوز ما را در رنج داشت که فاجعه بسیار ناگوار تبریز پیش آمد که هر مسلمی را رنج داد و ما را به سوگ نشانند.

من به شما اهالی معظم آذربایجان نوید می‌دهم، نوید پیروزی نهایی. شما آذربایجانیان غیور بودید که در صدر مشروطیت برای کوبیدن استبداد و خاتمه دادن به خودکامگی و خودسری سلاطین جور به پاخواستید و فداکاری کردید. استبداد محمدرضاخان پهلوی و پدر روسپاهش روی سلاطین مستبد را سفید کرد. تاریخ ایران به یاد ندارد این چنین سفاکی و قتل عام پی در پی را که به دست این یاغی سفاک انجام می‌گیرد. تاریخ مشروطیت به یاد ندارد این چنین مجلس سنا و شورا را که اهالی محترم متدین آذربایجان را مشتی اوباش و بی‌دین معرفی کنند؛ از مجلسی که دست‌نشانده شاه است بیش از این توقع نیست. اکنون بعد از آن همه کشتار و جنایات تبریز و آن همه خونخواری‌های شاه، مشتی سازمانی را با کارگران مجبور با سرنیزه، در گوشه و کنار کشور به راه انداخته تا با عریضه کشیدن و به نفع دستگاه جنایت و خیانت تظاهرات به راه انداختن، می‌خواهند لکه‌های ننگ را از سر و صورت این مستبد خون‌خوار شست‌وشو کنند؛ غافل از آنکه با آب زمزم و کوثر هم محو نخواهد شد. تاریخ، رنج‌های ملت و ستمکاری و جنایات این پدر و پسر را ضبط کرده و در فرصتی منتشر خواهد کرد. من الان که مشغول نوشتن این غم‌نامه هستم، نمی‌دانم که به برادران

عزیز تبریزی ما چه می‌گذرد. آیا شاه به جنایات خود- و لو موقتاً- خاتمه داده است یا نه؟ آیا می‌خواهد پس از آن قتل عام، بازماندگان را چنان سرکوبی کند که نفس‌ها قطع شود؟ لکن باید بداند که دیر شده؛ ملت ایران راه خود را یافته و از پای نمی‌نشیند تا جنایتکاران را به جای خود بنشانند و انتقام خود و پدران خود را از این دودمان سفاک بگیرد.

با خواست خداوند قهار، اکنون در تمام کشور صداهای ضد شاهی و ضد رژیم بلند است و بلندتر خواهد شد و پرچم اسلام بر دوش روحانیون ارجمند، برای انتقام از این ضحاک زمان به اهتزاز خواهد درآمد و ملت اسلام- یکدل و یک جهت- به پاس از مکتب حیات بخش قرآن، آثار این رژیم ضد اسلامی و مروج زرتشتی را محو خواهد کرد. أَلَيْسَ الصَّبْحُ بِقَرِيبٍ؟!

اهالی معظم و عزیز آذربایجان- آیدهم الله تعالی- بدانند که در این راه حق و استقلال و آزادی طلبی و در حمایت از قرآن کریم تنها نیستند؛ شهرهای بزرگ چون شیراز، اصفهان، اهواز و دیگر شهرها و مقدم از همه قم مرکز روحانیت و پایگاه حضرت صادق- سلام الله علیه- و تهران بزرگ با آنها هم‌صدا و هم‌مقصد و همه و همه در بیزاری از دودمان پلید پهلوی شریک شمایند. امروز شعارها در کوچه و برزن هر شهر و هر ده «مرگ بر شاه» است و هر چه عمال کثیف کوشش می‌کنند که جنایات را از مرکز اصلی که شاه است منحرف و به دولت یا مأموران متوجه کنند، کسی نیست که باور کند.

عجب آنکه از قرار مسموع هیئتی از دستگاه به آذربایجان آمده است که بی‌خبری شاه را از این جنایات اعلام کند و آن کس که احتمال آن را بدهد کیست جز سازمانی‌ها و اعضای مجلسین که آنها هم احتمال نمی‌دهند و تظاهر به خلاف می‌کنند.

از خداوند تعالی اصلاح امور مسلمین و رفع شرّ اشرار و محو آثار این دودمان را خواهانم. والسلام علیکم ورحمه الله.<sup>۱</sup>

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۵۵-۳۵۳.



## شریعتمداری و قیام ۲۹ بهمن تبریز

شریعتمداری به عنوان یکی از مراجع تقلید مطرح و آذربایجانی، در سال ۱۳۵۶ در واکنش به کشتار ۱۷ دی ماه شهر قم با صدور اطلاعیه‌ای به تاریخ ۱۳۵۶/۱۱/۲۵ چهلّم شهدای قم یعنی ۲۹ بهمن را عزای عمومی اعلام کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده بود: چهل روز از فاجعه بزرگ عاصمه روحانیت شیعه و مرکز تشیع جهان می‌گذرد. فاجعه‌ای که در آن خانواده‌هایی را داغدار کردند، مسلمان‌ها را عزادار ساختند. هنوز زخم‌ها و جراحات دلخراش این حادثه التیام نیافته و مصیبت‌های وارده تخفیف پیدا نکرده است. هنوز هیچ‌گونه تدارک و جبرانی به عمل نیامده و عاملین این جنایت وحشتناک تعقیب و محاکمه نشده‌اند. و الی الله المشتکی و انما اشکو بّی و حزنی الی الله. لذا بدین مناسبت روز شنبه دهم ربیع‌الاول ۱۳۹۸ را به عنوان اربعین این مصیبت بزرگ روز عزای عمومی اعلام می‌کنم. در این روز حوزه‌های علمیه برای بزرگداشت خون‌های به ناحق ریخته‌شده و شرکت در مجالس ترحیم و همدردی با بازماندگان حادثه تعطیل خواهد بود. انتظار داریم عموم مسلمانان در برگزاری مراسم مزبور کمال متانت و آرامش را مراعات نمایند.



بسم الله الرحمن الرحيم

### انا لله وانا اليه راجعون

فرا رسیدن گلشن دوزخ در خیزن همه عزیزان ما را و گریه بر مردم مسلمانان تیب میگویم  
 چسبند در آنجا جز بزرگ عارف و عارف تیب در کاشی جهان میکنند ، نه چو کجی  
 در آن خانواده ای را راضی کردند مسلمانان را خدا را رسد خسته شود و کجا و جوار است  
 در غمش این دره ایام نماند بر صحبت های داوره تحقیق نماند است ، خردمندان  
 بر برادران خود نامه ، عاقلین بر خیریت بر کاشی و کمال شده اند و ان الله  
 و انما اشکون و خیر فی الی الله ، در این نسبت در شنبه صبح اولی  
 بعنوان اربعین این مصیبت بزرگ ، در خیزای مردم می کنیم در این روز و در آن  
 برای بزرگداشت خونای بنامی بخیر شده در کتبه ، مجلس تمام مردم و بی درگاه  
 حذر شغل خراب بود ، تهنه را در یک مردم مسلمانان در بگریزی مردم بزوجه مال  
 منت و در پیش از مرگات نمایند در خیزه و در آن حضرت اسلام در سلیمان  
 منت در این ششمین روز اوله ۱۳۹۸ هجری قمری در شهر تبریز



۵۶ / ۱۱ / ۲۵





این اعلامیه در نقاط مختلف شهر تبریز نصب شده بود و گویا حق شناس رئیس پلیس مستقر در اطراف مسجد قزلی در میان انبوه جمعیت آن را از دیوار کنده و پاره کرد و با اعتراض یکی از جوانان انقلابی و شهادت او قیام ۲۹ بهمن آغاز گردید. اما یقین و مسلم است که شریعتمداری در شروع، هدایت، تداوم و رهبری قیام ۲۹ بهمن هیچ گونه نقشی نداشته است. هدایت و رهبری قیام در دست توانای آیت‌الله شهید محمدعلی قاضی طباطبایی قرار داشت.

شریعتمداری با شنیدن خبر قیام خونین مردم مسلمان تبریز در تماس‌های مکرر تلفنی با برخی از علمای طرفدار خود در آن شهر و صدور سریع اطلاعیه‌ای، مردم را به آرامش و پایان قیام فراخواند؛ زیرا وی با هر گونه قیامی علیه رژیم پهلوی مخالف بود و این را بارها در ملاقات‌های محرمانه با مقام‌های بلند پایه سیاسی و امنیتی حکومت پهلوی آشکارا اعلام داشته بود. در اینجا به گونه مختصر چند نمونه بازگو و بررسی می‌شوند:

۱. احمدعلی انصاری از اقوام نسبی فرح پهلوی پس از قیام ۲۹ بهمن تبریز از سوی محمدرضا پهلوی مأمور گردید در قم با شریعتمداری ملاقات و مذاکره نماید. اولین بار در روز ۱۵ فروردین ۱۳۵۷ به دیدار وی رفت و در بهار و تابستان ۱۳۵۷ تقریباً صبحگاهان هر روز برای مذاکره با او به قم می‌رفت و شب هنگام باز می‌گشت. در اولین دیدار، انصاری به شریعتمداری گفت مأموریتش این است که بتوانند با کمک ایشان اوضاع را آرام کنند و خواسته‌های روحانیت را انجام دهند. شریعتمداری در این ملاقات مهم و محرمانه که مأمور خاصی از سوی شاه اعزام شده بود، سطح درخواست‌ها را چنان پایین آورد که موجب شگفتی هر خواننده‌ای می‌شود. خواسته‌های وی چنین بود:

ساعت را عوض کنند که با این ساعت‌های جدید وقت نماز مردم مشوش شده است، تقویم را از شاهنشاهی به هجری برگردانند و مدرسه فیضیه را باز کرده، مسئولیتش را به وی محول کنند!

۲. ارتشبد حسین فردوست قائم مقام ساواک و رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی در خاطراتش قید می‌نماید:

اولین راهی که برای مهار کردن انقلاب و تغییر اوضاع به ذهن

۱. احمدعلی مسعود انصاری، پس از سقوط، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۵-

محمد رضا (شاه) رسید، ایجاد ستادی در دربار برای تماس با برخی روحانیون بود. ریاست این ستاد بر عهده هویدا گذارده شد و در مدتی که وزیر دربار بود تمام تلاش خود را وقف تماس با افراد معینی در روحانیت و بازار نمود... در زمستان ۱۳۵۶ در هیئت [ستاد] سه نفره من، هویدا و آموزگار نخست وزیر، دستور شاه ابلاغ شد که فردی (از روحانیت) مشخص شود که در مقابل آیت الله خمینی تقویت شود و بتواند روحانیت ایران را اداره کند. هویدا از من پرسید چنین کسی را می شناسید؟ گفتم شما هر روز با شریعتمداری در ارتباط هستید، دیگر با چه کسی می خواهید تماس برقرار کنید؟ هویدا گفت: بله، بله شما که همه چیز را می دانید!

[متعاقب جلسه] محمد جعفر بهبهانیان معاون وزارت دربار که امور مالی دربار در اختیارش بود و هر جا که می رفت ابا پر داخت پول های هنگفت [مایه برکت بود، به کرات با چمدان دستی پر از پول برای دیدار شریعتمداری به قم رفت...]<sup>۱</sup>

۳. در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۵۶ نماینده ویژه ای از سوی ساواک مرکز برای دیدار و گفت و گو با آیت الله شریعتمداری به قم رفت. دیدار و گفت و گوی آنان چند ساعت به طول انجامید. نماینده ویژه ساواک، نظر شریعتمداری در مورد حضرت امام را بدین گونه اعلام داشت:

به عقیده من خمینی عنصری است که به حال مملکت و ملت مضر است. من (شریعتمداری) موجودیت خود و مذهب شیعه را ملزوم بقای مقام شامخ سلطنت می دانم. کوشش های خمینی علیه نظام مملکتی، خطر حتمی برای موجودیت مذهب و ملت دارد و او را تأیید نمی کنم!<sup>۲</sup>

در دیدار ذکر شده، شریعتمداری آشکارا به نماینده ویژه ساواک گفت:

انتشار مقاله روزنامه /اطلاعات [علیه حضرت امام] اثرات منفی داشت از جمله اینکه مراجع بزرگ مذهبی شیعه را در محذور و تنگنا قرار داد

۱. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۷۷-۵۷۶. برای توضیح بیش تر پیرامون منابع مالی شریعتمداری و اخذ مبالغ هنگفت دولتی رک: اصغر حیدری، شریعتمداری به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰-۹۴.

۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، کتاب دوم، ص ۲۸۰-۲۷۹.



و آنها ناگزیر شدند علی‌رغم اعتقاد و تمایل خود و برای ساکت کردن احساسات برانگیخته‌شده جمعی مردم عوام و متعصب، عکس‌العمل نشان دهند و اجباراً کاری کنند که در نهایت به سود او تمام شود.<sup>۱</sup>

به این ترتیب رمز همگامی ظاهری شریعتمداری در مواقع معدود باروند جاری انقلاب اسلامی به دست می‌آید و آن قرار گرفتن در محذور و تنگنا بوده<sup>۲</sup> و وی اعتقادی به صحت حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران نداشت و انقلابیون را «جمعی مردم عوام و متعصب» می‌دانست. رهبری انقلاب در نظر او عنصری بود که به حال مملکت و ملت مضر است! بقای خود را نیز وابسته به بقای شاه می‌دانست. البته چنین هم بود و طولی نکشید که پس از سقوط شاه و رژیم پهلوی، شریعتمداری با گفتار و کردار خویش، اعتبار و حتی مرجعیتش را نیز به باد فنا داد!<sup>۳</sup>

۴. طبق گزارش محرمانه ساواک، بعد از ظهر ۲۹ بهمن که تظاهرات مردم تبریز به اوج خود رسیده بود، تعدادی از علمای تبریزی طرفدار شریعتمداری با وی تماس گرفته و طبق دستور و املائی او این اعلامیه را تهیه کردند:

بسمه تعالی. به مقتضیات دستور تلفنی که اکنون از ناحیه مبارکه مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی آقای شریعتمداری مخابره شده اهالی آذربایجان را طبق اعلامیه‌ای که سابقاً منتشر نموده‌اند [اشاره به اعلامیه چهلم شهدای قم] دعوت به سکوت و آرامش نموده‌اند. بستن مغازه‌ها و عزاداری آرام به معنای پشتیبانی از حوزه علمیه است. هرگونه اظهار تشنج و تظاهرات زیان‌بار جایز نیست. لذا با تشکر از احساسات حقیقی مردم آذربایجان مخصوصاً تبریز لازم است عموم مردم از این ساعت در منزل خود باشند و اجازه ندهند که از پشتیبانی بی‌آلایش دینی مردم سوء استفاده شود [قیام علیه ظلم و ستم، سوء استفاده از پشتیبانی دینی مردم بود؟! هزاران نفر از مردم به اندازه شخص آیت‌الله شریعتمداری و ملاهای پیرامونش نمی‌فهمیدند و قدرت شناخت نداشتند؟!] و از فردا بازار را باز و مشغول زندگی آرام خود باشند. از

۱. همان.

۲. موارد دیگری در شریعتمداری به روایت/اسناد ارائه شده است.

۳. رک: اصغر حیدری، حزب خلق مسلمان/از ظهور تا سقوط، تهران، دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، جلد اول، ۱۳۸۷، جلد دوم ۱۳۸۸.

خداوند متعال موفقیت شما را در راه اهداف عالیّه اسلام خواستاریم.<sup>۱</sup> ساواک با نقل متن این اعلامیه اضافه کرده است که به سرعت این اعلامیه را اخذ و به تعداد زیادی تکثیر و شب هنگام و بامداد روز ۳۰ بهمن ۵۶ در نقاط مختلف شهر تبریز پخش و چسبانیده است.<sup>۲</sup>

۵. شریعتمداری دو روز بعد از قیام ۲۹ بهمن یعنی در روز اول اسفند ۱۳۵۶ در مسجد اعظم قم در حضور پنج هزار نفر از طلاب، علما و مردم سخنرانی نمود. مأمور ساواک در گزارش محرمانه‌ای از این سخنرانی چنین نوشته است:

سخنرانی امروز شریعتمداری جنبه نصیحت و موعظه داشت و طلاب را به آرامش دعوت می‌کرد و تا حدودی برنامه تظاهرات مردم قم و تبریز را محکوم کرد... در مورد علت تظاهرات تبریز توضیح داد که تظاهرات تبریز هم مثل قم تقصیر با دولتی‌ها بود، یک اعلامیه ما را در بازار [تبریز] زده بودند، مأموری می‌رود آن را پاره می‌کند. یکی از بازاری‌ها به او اعتراض کرده می‌گوید این اعلامیه متعلق به یک مرجع است و آیه قرآن هم روی آن نوشته شده، مأمور موصوف شروع می‌کند به کتک زدن آن مرد و شخص مضروب فریاد می‌زند یا امام زمان! مردم به کمک او می‌آیند و زد و خورد می‌شود و تظاهرات شروع می‌شود.

در دنباله این سند، مأمور ساواک واکنش مردم حاضر در جلسه را چنین ذکر کرده است: وقتی شریعتمداری مشغول سخنرانی بود و تظاهرکنندگان [تبریزی] را ملامت می‌کرد، دیدم همه ناراحت هستند؛ چندین بار خواستند اعتراض کنند ولی اطرافیان شریعتمداری آنان را امر به سکوت کردند. حتی عده‌ای می‌خواستند به عنوان اعتراض از پای منبر بلند شوند [و مسجد را ترک کنند] خود شریعتمداری هم دست و پایش را گم کرده و درست نتوانست صحبت کند. مقام بالاتر ساواک در پایان گزارش مذکور، پیرامون موضع شریعتمداری چنین نوشته است:

شریعتمداری تحت فشار متعصبین مذهبی افراطی قرار دارد و آلا با برنامه آشوبگران و حتی با تعطیل بازار هم موافق نیست.

۱. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ۱۴-۱۱.

۲. همان.

## خبرنامه

دوره سوم

- |  |   |
|--|---|
| <p>۲ - مبلغ ۹۹۰۰</p> <p>۳ - متاع ۹۹۰۰</p> <p>۴ - تاریخ وقوع ۱۳۸۱/۰۹</p> <p>۵ - تاریخ رسیدن خبر ۱۳۸۱/۰۹</p> <p>۶ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنای حسابات ۱۳۸۱/۰۹</p> <p>۷ - ملاحظات محاسبان ۱۳۸۱/۰۹</p> | <p>مبلغ بکار از صفحه</p> <p>ساخته شده از صفحه</p> <p>۱ - ۳۱۳</p> <p>۲ - ۲۱</p> <p>۳ - شماره گزارش ۲۱/۸-۳۱</p> <p>۴ - تاریخ گزارش ۳۱/۱۳/۸۳</p> <p>۵ - هیئت</p> |
|--|---|

✓ موضوع سخنرانی: شریعتمداری روز ۱۲/۱۲/۱۳۸۱ در مسجد اعظم

پرو شماره ۲۱/۵۹۸۲ - ۱۳۶/۱۲/۸۱

صبح روز ۱۲/۱۲/۸۱ آیات اله شریعتمداری در مسجد اعظم در حضور ده ای  
 در حدود پنج هزار نفر از طلاب سخنرانی مصلحتی ایراد نمود سخنرانی امروز  
 شریعتمداری تقریبا "جنبه نصیحت و موعظه داشت و طلاب را به آرامش دعوت  
 میکرد تا حدودی برنامه نظاهرات مردم قم و شیراز را محکوم کرد وی گفت بعض  
 خبر در آمدند در پشت دروازه يك مغازه را آتش زدند و اندک ای که پای منبر بودند  
 گفتند بانك صادرات بوده ایشان گفتند باشد اسلام حتی مالان کفار را محترم  
 دانسته و اجابت کرده اند اما می گویدیم در مورد بانك صادرات ولی تحریم  
 نکردیم در بدین امر تحریم کنیم شاید بانك ورشکست شود لذا هر کس از ما در مورد  
 بانك صادرات سوالی کرد گفتیم با اجسامان رایجسته ایم همین کار سبب شد  
 که چند مرتبه آمدند پیش ما و ما گفتیم ما بد آن مرد سهم خود را بفروشید بطوریکه  
 شنیده ایم قدری از سهم خود را فروخته و بقیه اش را هم میخواهد بفروشد  
 اما ما باید گوی کنیم و طوری مبارزه کنیم که شعش بیشتر از ضررش باشد و جنس  
 در مورد نظرات نظاهرات تصریح توضیح داد که نظاهرات شیراز هم مثل قم تقصیر  
 در این بابها بود يك اعلامیه ما را در باره از زنده بودند ما موری میرویم آنرا باره میکنند  
 یکی از بارها با اعتراض کرده میگوید این اعلامیه متعلق به يك مرجع است  
 و آیه قرآن هم روی آن نوشته شده مامور مصلحت شروع میکند به کت زدن آن









۶. شریعتمداری به مخالفت با حضرت امام و سنگ‌اندازی در برابر پیروزی انقلاب بسنده نکرد و از تشکیلات مخوف و تروریستی ساواک خواست تا با فرستادن مأموران خود به فرانسه حضرت امام را ترور کنند و از بین ببرند و انقلاب را خاموش سازند. پرویز ثابتی مدیر کل امنیت داخلی ساواک در خاطرات منتشر شده خود در امریکا می‌گوید:

شریعتمداری مخالف خمینی بود و همه جا علیه خمینی حرف می‌زد. در عید نوروز ۱۳۵۷ به من گفت: «من به عنوان یک مجتهد به شما می‌گویم که خمینی دارد فتنه علیه اسلام می‌کند و قتلش واجب است و شما می‌توانید آدم بفرستید و او را بکشید.» من گفتم حضرت آیت‌الله شما این همه پیرو دارید، خوب به یکی از اینها فتوا بتان [مبنی بر کشتن خمینی] را بدهید، ما که نمی‌توانیم چنین کاری بکنیم! گفت: نه من چرا بکنم؟ باید شما [ساواک] بکنید و شما مسئول امنیت هستید، برای اینکه خمینی امنیت مملکت را به هم زده است.<sup>۱</sup>

با این اسناد و مدارک آیا می‌توان به رهبری و هدایت شریعتمداری در جریان انقلابی طی سال‌های پرتلهاب ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ از جمله قیام ۲۹ بهمن تبریز اعتقاد داشت؟! خود او در عمل بارها به عدم رهبری خود صحنه گذاشته است!

### متن سخنرانی شریعتمداری پیرامون قیام ۲۹ بهمن

خوشبختانه نوار سخنرانی شریعتمداری در اول اسفند ۱۳۵۶ در مسجد اعظم قم پیرامون قیام ۲۹ بهمن تبریز موجود است. محورهای اساسی سخنرانی که مورد اشاره گزارشگر ساواک قرار گرفته و مربوط به نکوهش تظاهرات مردم و لزوم تبعیت آنها از حکم مراجع - البته تنها خود او! - و حادثه تبریز است، به این شرح می‌باشد:

... ما از در خیرخواهی می‌گوییم، ما منطوق و دلیل داریم. ما مسائلمان منطقی است و در تمام جهان می‌توانیم مطرح کنیم. این دیگر احتیاج به هیاهو ندارد. اگر حکم مرا قبول می‌کنید من حکم می‌کنم به اینکه در خارج [از مسجد] و همه جا متانت [و آرامش] را حفظ کنید. بگذارید کارهایی که تا به حال صورت گرفته به نتیجه برسد. کمک ما باشید. ما

۱. عرفان قانع‌فرد، همان، ص ۵۷۵. نقش شریعتمداری در کودتای صادق قطب‌زاده با هدف اولیه قتل حضرت امام (ره) نیز در این مورد حائز اهمیت است. رک: اصغر حیدری، حزب خلق مسلمان/ ایران از ظهور تا سقوط، همان.



رضای خدا را ملاحظه می‌کنیم. فکر می‌کنیم راهی باشد که ضایعاتش کم باشد، پیشرفتش زیاد. نه راه‌هایی که همه‌اش ضایعات باشد و پیشرفت نباشد یا کم باشد. لذا از همه آقایان خواهش می‌کنم که نه تنها در این مجلس بلکه همه جا متانت و آرامش را حفظ کنید. جمله ناقص بیان شده است. عده کثیری از آقایان اخلاص دارند و می‌خواهند برای خدا کار کنند و می‌دانیم که عده‌ای شجاعت دارند و این دو صفت بارز است. اما کارهای اجتماعی، اتفاق و اتحاد لازم دارد. ما [شما مردم] باید دنبال آقایان -مراجع- باشیم [باشید] و هر چه می‌گویند عمل کنیم [کنید]. بعضی کارها هست که به طرف مقابل کمک می‌کند و به حریف کمک کرده است. بعضی از اشخاصی که این کارها [تظاهرات] را می‌کنند، محکوم واقع می‌شوند و طرف نفع و منفعت آن را می‌برد. اگر می‌خواهید کاری به نتیجه برسد باید کاری دسته جمعی باشد. باید مطیع و مطاع باشد. [یعنی مردم از آقای شریعتمداری به عنوان مرجع اطاعت کنند!] باید دنبال مراجع باشید. من به بعضی از مأموران دولتی که آمده بودند اینجا گفتم آقایان، قم است، مرکز حوزه علمیه است، اینجا قبر حضرت معصومه است، اینجا چهارراه ایران است، ده هزار طلبه اینجا از تمام شهرها و داخل و خارج [کشور] هستند، اینجا چاله میدان نیست که شما بیایید و عده‌ای را بکشید و بروید! به شما [مردم حاضر در مسجد] هم می‌گویم، آقایان اینجا حوزه علمیه است، اینجا آداب دارد، اینجا ادب دارد [سر خود نباید کاری انجام دهید. جمله ناقص بیان شده است].

شریعتمداری در ادامه مطالبی راجع به بانک صادرات که سهامدار عمده آن غیرمسلمان‌ها بودند، بیان داشت و آنگاه به حادثه تبریز پرداخت و گفت:

...مصائب قم و تبریز قلوب را جریحه‌دار کرد. ما اعلام عزای عمومی کردیم، ولی به مردم نگفتیم که تعطیل کنند. در بهترین مکان‌ها [شهر

۱. این امر که هزاران طلبه از مناطق متعدد کشور در قم مشغول تحصیل اند و افکار منتشر شده در حوزه علمیه را با بازگشت به وطن یا مسافرت در سطح کشور گسترش می‌دهند، مورد توجه خاص مقامات امنیتی رژیم پهلوی بود. چنان که در اولین اسناد به‌جامانده از ساواک از سال ۱۳۳۵ سرهنگ کمالی افسر دایره امنیت مذاهب ساواک پس از بررسی میدانی از حوزه علمیه قم و توضیح مراتب علمی آیت‌الله بروجردی و مراجع درجه دوم قم و میزان شاگردان سطح خارج هر کدام در همان سال، می‌نویسد: «چون ایام ماه رمضان و محرم و صفر درس تعطیل است، طلاب به وطن خود مراجعت می‌کنند تا از منبر و وجوه بریه کمک خرجی به دست آورند و بدین جهت مجموع افکار و نظریاتی که در این مدت در حوزه‌های قم منعکس شده در شهرستان‌ها انتقال یافته و زمینه فکر طبقات حقیقی مردم دین‌دار می‌شود.» شریعتمداری به روایت اسناد، ص ۱۸۷، سند ۱.



قم] و در یک تظاهرات آرام بدون دلیل عده‌ای را بی‌گناه کشتند و تا به امروز جبران نکرده‌اند. [عاملان را] تعقیب و محاکمه نکرده‌اند. [به دولت] گفتیم که کسانی را بفرستید به اینجا من راهنمایشان می‌شوم بروند ببینند. حرف‌های سربالا با ما زدند. حرف‌های ما را جدی نگرفتند. مردم به میل خود دکان‌ها را بستند و تعطیل کردند. در برخی از شهرها مأمورین مانع شدند. از این کار [تعطیلی و شرکت در عزای عمومی] می‌فهمیم [که] اسلام عزت دارد و در این مملکت اسم خدا و پیامبر و ائمه مورد توجه مردم است. ما که حرف می‌زنیم به نمایندگی شریعت و به نمایندگی ملت حرف می‌زنیم. در تبریز هم در عزای عمومی پیش قدم شدند. حتی گفتند بیشتر ادارات هم در آن شهر تعطیل کردند.

از قول ما در روزنامه نوشته که گویا ما تلگرافی به تبریز کرده‌ایم و آنجا مطالبی از تلگراف ما نقل کرده که از دروغ‌های روزنامه است و از کاهی کوهی درست کرده‌اند. اولاً تلگراف نبوده صحبت تلفنی با بعضی از علمای آنجا بوده [اشاره به اعلامیه تلفنی که بعد از ظهر روز ۲۹ بهمن از سوی وی در تبریز توسط ساواک پخش شد و متن آن در قبل ذکر گردید]، روز دوم نبوده روز قبل بوده. آنچه ما به علمای تبریز گفته‌ایم در تبریز چاپ شده است و در آن گفته بودیم که حال که شما طبق گفته ما تعطیل کرده‌اید، به تعطیل [بودن] یک روز اکتفا کنید و فردا [بازار و دکان‌ها] را باز کنید، چرا که این تعطیل چقدر به مردم مسلمان ضرر دارد.

در تبریز هم مثل قم اگر مأموران دولتی حسن نیت داشتند، تدابیری اتخاذ می‌کردند که هیچ خون‌ریزی اتفاق نمی‌افتاد. اینها یکی از مساجد بزرگ را معین کرده بودند که [برای کشته شدگان قم] فاتحه بگیرند و مأمورین مانع شده نگذاشتند. اعلامیه عزای عمومی ما را در بازار چسبانده بودند و یکی از مأموران آن را پاره می‌کند. یک کسی معترض می‌شود که آقا این حکم مجتهد است و آیه قرآن است چرا این را پاره می‌کنی؟ مأمور به او فحش داده و کتکش می‌زند و او داد می‌زند یا صاحب‌الزمان [اگرچه حصار] عده‌ای جمع می‌شوند، تیری خالی می‌شود و تیر اصابت می‌کند به یکی از مردم [تیری خالی نمی‌شود بلکه حق شناس

به عمد شهید تجلاً را هدف قرار می‌دهد! اطلاعات آقای شریعتمداری تا این حد بود یا مطلب را تخفیف داده است!!] و جنازه را برمی‌دارند و در شهر حرکت می‌دهند و اوضاع غیر عادی می‌شود و مطالب دیگری پیش می‌آید. اگر قبلاً مسجد را باز می‌کردند و مأمورین نیت خیر داشتند و می‌فهمیدند و درک می‌کردند و حرف‌های ما را سرسری نمی‌گرفتند [حادثه تبریز روی نمی‌داد. جمله ناقص بیان شده است].

ما می‌گوییم شما علت را آزاد می‌گذارید و معلول را مجازات می‌کنید. شراب آزاد، کارخانه‌های شراب و دارالفحشاها و قمارخانه‌ها آزاد و وقتی کسی شراب خورد و یکی را کشت، آن وقت می‌گیرید و حبس می‌کنید. چرا ریشه مطلب را از اول نمی‌گیرید؟ چرا وضع را طوری نمی‌کنید که این حوادث پیش نیاید؟ چرا علت را درک نمی‌کنید؟ می‌گوییم علت را درک کنید و مطالب را از اول طوری بچینید که باعث این نوع نارضایتی‌ها و این نوع تشنج‌ها نشود.

ما صحبت قانون اساسی را می‌کنیم. ما قسمت‌های مربوط به شرع را می‌گوییم که ما حق رد قوانینی که برخلاف شریعت باشند را بر طبق قانون اساسی داریم. می‌گوییم در کابینه قبل چند نفر وزیر غیر مسلمان [بهایی] داشتید و می‌گوییم بر طبق قانون اساسی مأموران [صحیح آن: وزرا] دولت همه باید مسلمان باشند. ادر جایی که دولت به قوانینش عمل نمی‌کند چه توقع دارد که مردم به قوانین دولت عمل کنند؟ خودشان احترام قوانین را حفظ نمی‌کنند، آن وقت توقع دارند مردم آرام باشند، مالیات بدهند و خلاف قانون نکنند. اگر خلاف قانون بد است، اول برای خود دولت بد است. مطالب ما روی دلیل و برهان است. بگذارید ما حرف‌هایمان را به گوش جهانیان و مقامات برسانیم شاید یک تخفیفی بدهند و متوجه اشتباهاتشان شوند. ما با آقایان مراجع مشورت می‌کنیم و تصمیم می‌گیریم که یک روز را فاتحه [برای کشته‌شدگان تبریز] قرار دهیم و جز آن هیچ کاری [یعنی تظاهرات و قیام!] را امر نکرده‌ایم و از همه می‌خواهیم متانت [و آرامش]

۱. اشاره به قانون اساسی مشروطیت که با تغییر اصول مربوط به سلطنت، در دوره پهلوی نیز رسمی بود و در اصل ۵۸ آن آمده بود: «هیچ کس نمی‌تواند به مقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی الاصل و تبعه ایران باشد.»



را حفظ کنند.<sup>۱</sup>

سخنرانی شریعتمداری با قرائت آیه «امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء» پایان پذیرفت و وی ضمن نکوهش تظاهرات خونین ۱۷ دی قم و ۲۹ بهمن تبریز این دو قیام هدفمند، ریشه‌دار و آگاهانه را در حد نارضایتی و بلوایی ساده علیه فعالیت برخی مراکز فحشا و فساد پایین آورد و در پایان خواست تا مردم ساکت شوند تا او با مقام‌های رژیم صحبت کند و از آنها بخواهد که به مردم تخفیف بدهند و آنها را مورد اصابت گلوله قرار ندهند! این است چگونگی و محورهای رهبری و هدایت آقای شریعتمداری در سال پراشتهاب ۱۳۵۶!

### باز هم دعوت به سکوت و آرامش!

بر طبق گزارش محرمانه دیگری از ساواک، به دنبال قیام خونین ۲۹ بهمن تبریز، شریعتمداری فرستادگانی به آبادان اعزام کرد و به علمای آن شهر اطلاع داد: قرار شده با مقام‌های دولتی درباره خواسته‌های روحانیون صحبت شود تا دیگر حوادثی نظیر واقعه تبریز پیش نیاید. هدف روحانیون [خود او و ملاهای اطرافی و طرفدارش!] این نبوده که چنان تظاهرات عظیمی در تبریز به وقوع پیوندند؛ بلکه قرار بود تظاهرات کنندگان فقط در مدارس و مساجد دست به تظاهرات بزنند. [مگر اختیار مردم مسلمان و انقلابی تبریز و نیز روحانیون مقلد حضرت امام، دست شریعتمداری و ملاهای اطرافی اش بود که به این قرار عمل کنند؟!] لکن چون پلیس مساجد و مدارس را تحت کنترل داشته تظاهر کنندگان مجبور شده‌اند در خیابان دست به تظاهرات بزنند که موجب واقعه اخیر تبریز گردیده‌اند.

۱. از نوار سخنرانی آیت‌الله شریعتمداری در مسجد اعظم قم، ۱۳۵۶/۱۲/۱.

|                         |                                   |
|-------------------------|-----------------------------------|
| صفحه یکم از ...         | ۱ - متن ...                       |
| شماره ...               | ۲ - متن روحانیون باستان           |
| ۱ - ۳۱۹                 | ۳ - تاریخ و توحیح اخیر*           |
| ۲ - ۱۰۶/۶               | ۴ - تاریخ رسیدن غیر به منبع اخیر* |
| ۳ - شماره گزارش - ۳۹۴/۶ | ۵ - تاریخ رسیدن غیر بر سر حقایق   |
| ۴ - تاریخ گزارش - ۳۹۴/۶ | ۶ - ملاحظاتی مختصر                |
| ۵ - پیوست               |                                   |
| ۶ - کتب در کار خیر      |                                   |

مردوخ الطهارت و اسمایت العشره تمداری  
 ۳۱۹ بیت العشره تمداری و روحانیون باستان  
 گزارش است با ملاحظات در ولت و ربا و غولگشته های روحانیون صحبت بشود تا در فکر  
 حواد تنی نظیر واقعیتها و روحانیون باستانها و در یکی پس از دیگری جمعیت آیت الله  
 شریعتی از او اظهار اشتباهات روحانیون این نبود بلکه چنین نظایر هرات عظیم  
 در زمین موقوف بودند بلکه فرار بود عتقا حرکتند گان فقط در رعد ارس و صا جسد  
 در ست بهتظا هم بزنده لکن چون اساس صا جسد و رعد ارس را تحت کنترل داشتند  
 عتقا حرکتند گان میبویشد مانند در صا با این دست بهتظا هم بزنده که موجب واقعیه  
 اخیرتر بزرگتر بد مانند .

نادره عظیمه و شصت ملاحظات در ولت و توجیه عتقا و تنها روحانیون از طرفی در ولت  
 موجب خوشحالی و تسکین روحانیون گردیدند . روحانیون از این مسئله خوشحال  
 گردیدند مانند . شصت حقایق اخیر موجب شده است که روحانیون که قبلاً با هم  
 اختلاف داشتند اختلاف را کنار بگذارند و در مجالس و معاضل روحانیون با هم  
 بصیحت و گفتگو بپردازند .

نشریه یکشنبه : شصت و یکتا رعد و صا قی است . گزارش

۳۹۴/۶  
 ۳۹۴/۶  
 طایفه بندی حقایق



در اینجا باید این حقایق بسیار مهم را در نظر داشت:

اول: اگر پلیس مسجد را نمی‌بست و مردم تبریز در مراسم ترحیم چهلم شهدای قم شرکت می‌کردند، به یقین پس از پایان مجلس، قیام با آغاز تظاهرات روی می‌داد؛ زیرا از قبل تدارکات کافی برای قیام دیده شده و حتی مراکز مورد حمله شناسایی شده بودند. به این امر امریکایی‌ها اعتراف کرده‌اند که در ادامه ذکر خواهد شد.

دوم: پیام دعوت به آرامش شریعتمداری در بعد از ظهر ۲۹ بهمن خطاب به مردم تبریز و نیز اسناد ساواک به ویژه سند ذکر شده راجع به اعزام فرستادگان وی به آبادان به خوبی نشان می‌دهند که رهبران قیام ۲۹ بهمن او و اطرافیان را در جریان تصمیمات خود قرار نداده بودند و آنان همانند دستگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی رژیم در مقابل قیام غافل گیر شده‌اند.

سوم: عدم اطلاع شریعتمداری و اطرافیان از قیام ۲۹ بهمن گویای این واقعیت است که رهبران قیام و انقلابیون تبریز به شخص وی و اطرافیان اعتماد و اطمینانی نداشتند. به یقین آنان می‌دانستند که در صورت اطلاع قبلی آنان از قیام و اهداف آن، در بده و بستان اطلاعاتی با مقام‌های ساواک قیام پیش از شروع به پایان می‌رسید؛ و با گزارش آن به ساواک، جمع زیادی از مردم متدین و انقلابی به حبس و شکنجه و اعدام دچار می‌شدند.

چهارم: شریعتمداری با وجود داشتن پیروان متعصب روحانی و شخصی در تبریز نتوانسته بود اطلاع پیشین از وقوع قیام به دست آورد. پیروان متعصب او نیز که به همه جا سرک می‌کشیدند و از گزارش اخبار کوچک هم خودداری نمی‌کردند، چیزی در آستین نداشتند! این رمزی از عدم فراگیری رهبری و مرجعیت او در آذربایجان و به ویژه در تبریز است.

پنجم: روند جاری و مقدس انقلاب اسلامی، چهره‌های نقاب گرفته را بیش از پیش در نظر مردم مسلمان آذربایجان روشن ساخت! آنان با رهبری حضرت امام نقش‌ها و نقشه‌های «بیرون رفتگان از آیات الهی، تعقیب شدگان شیطان، گمراهان عالم، فروماندگان در زمین تن و پیروان هوای نفس»<sup>۱</sup> را خوب شناختند. به این دلایل بود که عمر فتنه سرطانی حزب خلق مسلمان به یک سال نکشید و مانند فتنه لجنی سال ۱۳۸۸ در مواجهه با قیام انبوه مردم بصیر و پیرو ولایت آب شدند و در زمین فرورفتند! «وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرَ السَّيِّئُ إِلَّا بِالْأَهْلِهِ» مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش

۱. قرآن مجید، سوره اعراف، آیات ۱۷۶-۱۷۵.

احاطه [بازگشت] نکند.<sup>۱</sup>

## حمایت از قانون اساسی و سلطنت

شریعتمداری در اطلاعیه دیگری ضمن تکرار موارد گفته شده در سخنرانی اول اسفند ۱۳۵۶ از وقوع حادثه تبریز اظهار تأسف و تأثر کرد و خواستار عمل به قانون اساسی گردید. در بخشی از اطلاعیه وی آمده بود:

... باید بدانند که فاجعه اسفبار تبریز دنباله طبیعی فاجعه دردناک قم بود. اگر در قضیه دلخراش قم به این حادثه رسیدگی می شد و عاملین آن به جای تنبیه و محاکمه، تشویق نمی شدند شاید حادثه تبریز به این شکل اتفاق نمی افتاد. دولت باید قدرت مذهب را در این مملکت تشخیص دهد، افکار و عقاید اکثریت ملت ایران را احترام مخصوص قائل شود و به قانون اساسی عمل نماید... با تأسف فراوان از فاجعه تبریز به عموم مسلمانان ایران به ویژه به مردم شریف و متدین آذربایجان تسلیت می گویم...<sup>۲</sup>



۱. قرآن مجید، سوره فاطر، آیه ۴۳.

۲. این اعلامیه و اعلامیه های دیگر آقای شریعتمداری را با اعلامیه حضرت امام در مورد قیام ۲۹ بهمن تبریز مقایسه کنید. به یقین به نتایج جالبی می رسید!





در خواست عمل به قانون اساسی توسط شریعتمداری در سال‌های خروش و خیزش انقلابی ملت ایران یعنی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ که اصل نظام غیرمشروع و غیرقانونی پهلوی را نشانه رفته بودند، بارها تکرار شد. شوربختانه او راه برون‌رفت از وضعیت انقلابی و تظاهرات خونین مردمی را عمل به قانون اساسی که ضامن حفظ و تداوم رژیم سرطانی پهلوی بود، می‌دانست! وی در اردیبهشت ۱۳۵۷ در پاسخ به خبرنگار فرانسوی راجع به برقراری و تشکیل حکومت اسلامی چنین گفت:

حکومت اسلامی، مورد علاقه شدید و عمیق ما است. ولی شرایط و موقعیت فعلی چنین آمادگی را ندارد و شاید رسیدن به آن در حال حاضر یک آرزوی دور باشد. ما قبل از هر چیز خواستار اجرای قانون اساسی هستیم.<sup>۱</sup>

در بولتن محرمانه ساواک به تاریخ ۱۳۵۷/۲/۲۴ شریعتمداری در دیدار با مأمور عالی‌رتبه ساواک در حالی که می‌دانست حرف‌های او به شخص شاه گزارش خواهد شد، چنین گفت:

... ما هیچ‌گاه نسبت به مقام شامخ سلطنت نظر بدی نداشته و عقیده داریم وجود شاهنشاه نقطه اتکای موجودیت ایران است. ما اگر حرفی داشته‌ایم با دولت بوده و اگر انتقادی کرده‌ایم از برخی اقدامات دولت بوده است. اما مسامحه در جلوگیری از آشوب جایز نیست. این دیگر قابل تحمل نیست که کسانی بخواهند به رژیم مملکت و قانون اساسی دست‌اندازی کنند... باید در مقابل همه کسانی که اخلاص گر و محرک هستند ایستاد و اجازه نداد که سوءاستفاده کنند...

۱. آیت‌الله شریعتمداری به روایت اسناد، ص ۱۰۸.





## سیمیتری

(۲)

مفروضه بدیه بود و مورد تشبیه آیه سجد سوره فی روحانی از تمه با آیات الهی شریعتیه آری و گویا گاهی چندین مرتبه ملاقات و زیارات آنها عمل کرده بود .  
 و از برای او امریاده به تشبیه اندامش را که در زمین به عمل آمده و به سلا<sup>۱</sup>  
 با مستحضر و برمانند

### ۱- ملاقات با آیه الهی شریعتیه آری :

نامبرده پس از خواندن آیه فی روحانی مخصوص بروز بر خوره هاشمی و ریتولش گشته  
 منجربه گشته شدن یکی از جنبشهای او شده و شد به " نازاحت است و درین و  
 ناز خود را تعدیل و با اصلاح و زاند رین سرش انانیت و یکی از ملاقات با هوسر  
 گسی اجتناب دارد . در ساعت ۱۹۰۰ به ۲۱/۲/۳۷ پس از آنکه تصمیمی  
 یاد ایام مشارالیه و مذاکرات طفل با او سرانجام اظهار نمود که آیه است الهی  
 برای ساعت ۳۰۰ وقت ملاقات و ادعا کند .

در ساعت مفروضه رقم بازی ملاقات بعمل آمد . در این دیدار ابتدا بطور عمیقی  
 مختصره " اشتباه و غلطی در سوره طی و بارگسبت از اوضاع پیش آمده و تشبیه  
 یا سلف کرد بد که ایام یحیی عم و درین میان بد این زمین به آتش متولدند  
 و سجد سوره فی روحانی و براس اینجند ، در وقت ارگ ایمان بودن میسود به  
 طی و کلاً " مذکور شده میباید . آنگاه به دستوری و نظریه و رأیاد ان  
 و نگا - مازند ران که سائب سه رژیم لائوس کنونی با اصلاح زمانه آری عمیسی  
 گشته بودند و اشاره و اشاره کرد که این در نظرات سجد سوره فی روحانی  
 ماوریت انبار سینه مذکور بود اشتباه و دولت و زنده آورد نسبت با همین  
 موضوع عکس العمل متیان بدعد . از آنجا که خدای نادیده نام این شخصیت

## سیمیتری

۰۰۰/۰۰۰

در روز یاد آیات برده میشود و امکان دارد همراه آن مورد توجه آقایان مراجع باشد، لکن نظرشان را در این مورد بفرمائید.

آیت اله شریعتی اری مددنا" به و منابع اخیر اشاره کرد و تاکید نمود که اوضاع به شدت "سوء" استفاده زیاد میشود. مسئله دین و یاد آری در جای خود اما حلقه مسجد که در ستهائی در کار است که سعی در موجودیت منکست را بخاطر میاندازد. ما هم اگر اعلامیه ای دادیم و معرفی زدیم روشن است. ما همچنان نسبت به نظام شایع سلطنت در اری ندانستیم و شاید در اری هم وجود تاهنشاه نفعه انگار" موجودیت ایران است. ما اگر معرفی داشته ایم یاد و کت بوده و اگر انتقاد دیگر ما هم از برخی اندامات و ولید بود ما مست. اما نعل و ساسمه در جلوگیری از آشوب جایز نیست. این در نظر ما بل تحمل نیست که کسانی بخواهند به رژیم منکست و پانین اساس دست اندازی کنند. آیت اله شریعتی اری آنگاه پرسید: "ما چه طق و اصلی را که در مجلس روز پنجمین ۲۶/۲/۷۷ در مسجد جامع تبران حرمین خلافت زد، و نظر داشته اند که ما در مبلغ است و مردم را تحریک کرد. حتما" باید مهارت مسجد یاد انداد.

من اگر ما کم شروع بودم بر حسب و البته شرعی با این نوع اعتدال را میسر کنیم آنها معامله شد بد میکردم و مجازات میرسانند.

سید صادق رومانی میگوید: "ارمن نیست و من نسبت باور" رغان ندآورم بلکه خبر هم بشیم باید در رسانش همه کسانی که این روزها میگویند: "استفاده را جاری نداد که سوء" استفاده کنند و صفتها باید وقت کرد و فشار و شکنجه



وی در دیدار دیگری با مأموران ساواک در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱ اهداف خود را از تأکیده‌های مکرر بر اجرای قانون اساسی چنین آشکار ساخت:

... تمام تلاش من برای حفظ سلطنت است... من برای حفظ مملکت، دیانت و سلطنت فکر می‌کنم. من برای حفظ تاج و تخت و رژیم [شاهنشاهی] متکی به قانون اساسی شده‌ام و راه میانه را برگزیده‌ام... این راهی که من می‌روم به آن علت است که ابتکار عمل به دست تندروها نیفتد... من به آن جهت به قانون اساسی تکیه می‌کنم که بتوانم درباره حفظ تاج و تخت و مملکت بهتر تلاش کنم و بیش تر موفق باشم... من با اعتصابات، بستن بازارها، ایجاد هیاهو و تظاهرات صد در صد مخالفم... من صریحاً می‌گویم با خمینی و اعمال او مخالفم. خمینی مخالف شاه است در حالی که من اینطور نیستم... برقراری حکومت نظامی کار باارزش و مفیدی بود و باید باقی بماند. من صریحاً می‌گویم به عرض اعلیحضرت برسانید و به نخست‌وزیر هم بگویید که هر چه می‌توانند مدت فرمانداری نظامی را طولانی‌تر کنند...



در ملاقات فرد یک به چهار ساعتی که شب هنگام مورخه ۱/۷/۵۷ (۵۳۷) شاهنشاهی  
 با آیت اله سید کاظم خرمی عقد آری در رقم ده منزل وی بعمل آمد. هفت تن\* اوضاع ایسرا  
 از نظر جغرافیائی و شهد به آنی که از جانب قد رتبهای خارجیم از شرق و غرب نسبت به  
 ایران وجود دارد و همچنین مسائل داخلی ایران و تمرکز آنی که از جانب گویندگان با مواز  
 خارجیه بگرمشود توضیحات مفصلی داده شد.

آیت اله خرمی بعد از بیسار مصیحات و انگشاده روشی در حالیکه سببای مؤلفینیم ایسرا  
 راه است و عوالت عالی خود را از این ملاقات پنهان نمیکرد. مطالبی اظهار نمود که نکات  
 قابل توجهه و بیجسته اظهارات او بلا\* با مستحقان میرسد.

۱- اظهار نمود سلام مرابه پیشگاه اطی حضرت برسانید و عرض برسانید که اطی حضرت  
 اطمینان داشته باشند همان مشکلاتی که امروز ایشان در ارد ماهم داریم من آنروزه آری کسه  
 اطی حضرت در مقابل این مشکلات تحمل و شکیبائی بیشتری داشته باشند تا مشکلات بیرون  
 مراد ایشان بود رحمت صلحت ملکت حل شود. چند روز قبل که نمایندگان اطی حضرت  
 ملک حسن با من ملاقات داشتند و من گفتم که در مقابل اطی حضرت کوتاه بیا. من عرضا  
 با آنها گفتم تمام تلاش من برای حفظ مقام سلطنت است و از آنها عرضم که به ملک حسن  
 بهیچ مراد هند نگویند که ملک حسن به شاهنشاه مائوت طلب بد هند که در مقابل  
 مشکلات سلطنتی استقامت بیشتری داشته باشند و بر او آنکه عرض هم زده باشم گفتم کسه از  
 اطی حضرت بخواهند که در انجام اسلحات سرعت بیشتری بخرج دهند.

وگر از آنها بخواهند مخالفت با رژیم سلطنتی ایران بچند است. که من بعد با این با آنها  
 مخالفت من برای حفظ سلطنته و پادشاهت و سلطنت نکریم.

من برای حفظ ناچ و تخت و رژیم منکی به قانون اساسی که عام و راه مانه روان انتخاب کرده ام.

سری

ان / ۰۰





این براهی است که هم بنفع اطمینان است و هم بنفع من و هم بنفع و ستجانی کسیست  
صورتان با من یکی است و مانند من در باره ایران فکر نکنند .

این براهی که من میروم آن طاعت است که ابتکار صل به سید تند روها نیافتند . اگر مراد رخصت  
کاغذ "مواقف احساس کننده" بگیریم توانم مانند جد ید و مقابل تند روها صل کنم . من با این  
تربص به هم که مرا قبول کنند و همین جهت است که برای جلب گروهی با افکار محدود  
در داخل و خارج از کشور مانند ارشد م . چه اگر چنین نمیگردد و وضعیت تند روها با این  
مروید که ملتک را ازین صیرد .

من آن جهت به قانون اساسی تکیه میکنم که بتوانم در باره حفظ تاج و تخت و سلطنت و بهای  
تلاش کنم و بیشتر برفیق باشم .

۲- یعنی ما رژیم ایران مخالف است و نجف پایگاه حوج براندازی طبعه ایران میباشد .  
بسیاری از این اعلامیه ها و کتارها که از نجف ترستاد و میشود سبب تظاهرات و آذ و م کشی ها  
بوده و اگر موایل دیگر برآیم بعنوان سبب این وقایع در نظر بگیریم و بعضا "شعریکسات  
انجام شده از نجف بیشترین اثر را در آتش ورش نزدیک به صد درصد رالز جامل اثر بخشی  
تشکیل میدهد . یعنی کسانی که مانند او فکر میکنند که حکومت اسلامی برای این جنگست  
مناصب است . و خراب کردن قدرت در آرد و برای سازندگی نه سازمانی در آرد نه توانایی .  
من اطمینان دارم که آنها هر صطی انجام به دهند و دیگران صبر و استقامت دارند .

من با این کارهایی که انجام میدهند و مردم در رحمت قرار میگیرند و مانند ایجاد انحصار پات  
بشن بازارها و ایجاد هیاهو و تظاهرات و اغلال نظم صد درصد مخالفم . امروزه رنجش  
مزد آری برای پسر آیت الله گنایگانی شعارهای تند ید اند . بگفته کرد نزد یک من خسته بود  
و با من هم طبعه بود به شوخی اظهار کرد :

" ما به ظلمی که در رگه شده وجود و است ، طالب ترهشتم تا به اللهی که اینها رو به میدهند " .



من مریخا میگویم که با عمیق و اسأل و معالقم . تعد اد یازنطابن مراجعه میکنند و سنا  
 بحث راجع به روش من و عمیق و استوال میکنند که آیا اختلافی داریم ؟ من میگویم بله . اولمعا  
 شاه است و رحمانیکه من اینطور نیستم . من به عمیق میگویم . اید . ام تو که بهانه های  
 مختلف از دولت ایران میگیری چرا در مقابل دولت عراق که حتی برای راه رفتن آدم میکند  
 و اگر میماند باغواهند بیاید . از نصف به گزلا بروند آنها را به گلوله می بندند سلامت همیشه ؟  
 در حالیکه دولت ایران این همه اذیات متبع انجام میدهد .

من از عمیق میگویم که ارم اما طرفه اران بود بوانه هاشی هستند که بی پروا با اسلحه و نارنجک  
 می کنند و خرابکاری میکنند . ماد رسالمان هم از آنها تا منند ارم و باید حق به عیب گسه  
 برساند که بتوانیم باقی بمانیم . باید بطور متعاد ل عمل کنیم تا خون از تعرض باشیم یوفا ایف  
 خود را نسبت به اظهار حضرت و مردم انجام دهیم

۴- در مورد تاثیر رفتار طرفه اران عمیق و گمانیکه مخالف عمیق هستند اظهار  
 نمود :

اشعاشی که شجاعی داشته باشند که در مقابل عمیق و طرفه اران اوها هستند و تعد ادشان  
 کم است . در این چند سال نحوه رفتار طرفه اران ارم و عزی بود که اکثر گمانیکه جهت تفسیری  
 آنها با من یکی است یعنی با رژیم سلطنتی مخالفند . به شدت ترسیده اند و تنگی هم بیست  
 آنها وجود ندارد و از اکثرانند . باید ترسیمی فراهم آید زمینه گیری سیاه گرد که کم گس  
 و در عین ترس آنها کم بشود و من آنها ن تنگی بوجود آید تا بتوانند بطور متحد در مقابل نصف  
 ما هستند . این روز ها من روش من سبب خرابی شده که آنها بکنیت من روی میاورند و بهت ریج  
 این برانه راه رسوایجاد تشکل و نه ست آوردند و در وقت پیشتر برای مبارزه طس بهاده نظامی  
 این البته برای آینده است . باید برای این تشکل تمام نیروها را جمع کنیم و راه کار آید .





پیامد اینانیم.

۴- درباره دولت چه به اظهار نمود :

بابت امامت دولت جنهای آنکه در شروع فرمانداری نظامی تعهد او یکسره شده بود، کاملاً جوان هستیم و باید به مسائلی نظیر توجه به وضع نان و گوشت و فرهنگ و اجرای برنامه‌های علمی و معنوی که جلوی کوریسم را میگیرد، جدی‌تر پیگیری شود.

برقراری حکومت نظامی کارها ارزش و مفید بود و باید باقی بماند. من صریحاً میگویم به مسرین اطمینان حضرت برسانید و به نخست وزیر هم بگویند که هر چه میتوانند مدت فرمانداری نظامی را طولانی‌تر کنند. البته بدو بزرگه که هر کاری برآید دولت نسبت میدهد و چنانکه سیاست آنها را. متأسفانه افراد ماسی زیاد هستند و شجاعت تأثیرات مثبت برای کوریسم ندارند. میگویند و بهر حال فرماندهی نظامی میتواند اثرات بسیار مثبتی داشته باشد.

۵- درباره کسانی که بعنوان نمایندگان حقوق بشر معرفی شدند و رفت و آمد میکنند گفت:

در خانه من باز است تعدادی از آنها از آنجا می‌آیند و ما هم دوست بودیم و من نمیتوانم در منزل هم آمیزش مردم ببندم. آنها معجزین خارجی را برای مساجد ما می‌آورند. البته من مخالف شرفی خودم را میدانم. گنایانکه راجع به اعلامیه حقوق بشر نظرم را گفتیم و عنوان کردیم که این اعلامیه شوخی است زیرا وقتی در دنیا هیچ دولت بزرگ حقوقی ندارد و این صورت چه حقوق بشری باقی می‌ماند. هر تائیدی در زبان خودش انتشار دارد و اسلام هم بعضی از قوانین خود را که امروز شده است، ما بجا حقوق بشر اسلام داریم که برای (حقوق) رایج را به یکسری میدهد. احسان به هرگز کاری و تقوا را توصیه میکند.

۶- راجع به طیفی آمین اظهار داشت :

صریحاً میگویم که امین خیلی تلاش میکند که توسط دوستان من من فردیک شود اما من صریحاً میگویم که در حال این نیستم که کسی را برای در دست گرفتن دولت معرفی کنم.

حکومت در دست من است





آقای محمدحسن بکایی از روحانیون نزدیک به آقای شریعتمداری در خاطر اتش نقل می‌کند که شریعتمداری در دیداری به وی گفته است:

آقای خمینی و اعوان و انصارشان کنار بکشند، من در عرض شش ماه با همان قانون اساسی مشروطه، شاه را از کشور بیرون می‌کنم.<sup>۱</sup>

آقای شریعتمداری برای اجرای قانون اساسی شاهنشاهی چنان حرارت و جسارتی به خرج می‌داد که حتی «آقای سیدابوالفضل موسوی تبریزی را به نمایندگی به پاریس فرستاد تا حضرت امام را قانع کند که از طریق قانون اساسی وارد بشود، زیرا در این صورت رژیم متقاعد می‌شود به خواسته‌های علما و مردم تن در دهد.» آقای موسوی وقتی این مأموریت را با مرحوم آیت‌الله مرتضی بنی‌فضل (متوفای جمعه ۹ شهریور ۱۳۸۶) در میان گذاشت با اعتراض او مواجه شد که «در قانون اساسی مسئله شاه و سلطنت وجود دارد و قبول قانون اساسی به منزله تن دادن به سلطه شاه و خاندان پهلوی است.» کار آن دوازده نفر خواهی به بحث و مشاجره کشید!<sup>۲</sup>

چنان که گفته شد شریعتمداری در زمانی به دفاع از اجرای قانون اساسی می‌پرداخت که طبق اصل ۳۶ همان قانون، حکومت ایران مختص رضاخان و اعقاب ذکورش بوده و طبق اصل ۵۰ شاه فرمانده کل قوا به حساب می‌آمد. یعنی دفاع از آن قانون اساسی، تداوم حکومت فاشیستی و ضددینی پهلوی و کشتارها و شکنجه‌ها را در پی داشت! اما در این میان حضرت امام خمینی (ره) حوادث و امور مربوط به انقلاب را به دقت زیر نظر داشتند و متوجه هدف نهایی کسانی که به جای تداوم انقلاب و نابودی رژیم ستمشاهی به اجرای قانون اساسی اصرار می‌ورزیدند، بودند. ایشان در نامه‌ای به تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۵۷ در مورد چنین افرادی نوشتند:

...مسئله چهارچوب قانون اساسی و حقوق بشر که اکنون زبانزد جناح سیاسی است و گاهی در کلمات غیر آنها اشاره به امثال آقای شریعتمداری هم دیده می‌شود، آنچه مورد اعتراض اینجانب است با این کلمه صحنه به رژیم پهلوی گذاشته می‌شود، چنانچه تصریح نموده‌ام و باید حتماً از آن با این نتیجه احتراز کرد و اگر صحبت از قانون اساسی شد باید مواد مربوط به سلطنت را استثنا نمود و من هیچ بعید نمی‌دانم که بعضی اشخاص یا بعضی جناح‌ها به نفع شاه این مطلب را عنوان کنند، گرچه دیگر برای او داری نیست به خواست خداوند و باید برود.

۱. محمدحسن بکایی، انقلابنامه (خاطرات بکایی)، تهران، مؤلف، ۱۳۸۳، ص ۲۷۲.

۲. خاطرات آیت‌الله شیخ مرتضی بنی‌فضل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲-۱۵۱.



ص ۱۲ ۹۸ چنگ

بر هزاران مردمی که کما در سرت می آید  
 در دسترس در این سوره جبر کرده به دست  
 به آفت که با ما است این است همیشه است  
 در این است به این است که بر این است  
 هر نوع غلظت در این است که بر این است  
 این است که بر این است که بر این است  
 این است که بر این است که بر این است  
 این است که بر این است که بر این است

این است که بر این است که بر این است  
 این است که بر این است که بر این است  
 این است که بر این است که بر این است  
 این است که بر این است که بر این است

سند به دست زن کاسه در حق  
 که کسوف زن در خانه می آید  
 در این است که بر این است که بر این است  
 این است که بر این است که بر این است  
 این است که بر این است که بر این است  
 این است که بر این است که بر این است  
 این است که بر این است که بر این است  
 این است که بر این است که بر این است

شریعتمداری با تحریم عید نوروز ۱۳۵۷ در اعتراض به کشتار قم و تبریز مخالفت کرد. شهربانی قم در گزارش محرمانه‌ای به تاریخ ۱۳۵۶/۱۲/۲۸ خطاب به ساواک قم می‌نویسد:

اخیراً عده‌ای از طلاب جوان و متعصبین مذهبی به منزل آیت‌الله شریعتمداری رفته و از ایشان تقاضا نموده‌اند که به مناسبت واقعه اخیر قم و تبریز مراسم عید نوروز را تحریم نماید. ولی ایشان تاکنون با درخواست آنان موافقت نکرده و اظهار داشته که تصمیم دارم با استفاده از دوستانی که در تهران هستند ترتیبی بدهیم که شخصاً به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر شرفیاب گردم.





اما مردم بصیر و فهیم آذربایجان همانند مردم سایر مناطق ایران با رهبری حضرت امام و بدون توجه به نظرات و سنگ اندازی‌های امثال آقای شریعتمداری و باند و اطرافیان، قیام خویش را پیش بردند و منتظر افاضات و دیدارهای او با شاه و گرفتن تخفیف‌ها! نماندند. قیام علیه رژیم‌های ظالم و ناحق، واجب و پیروزی بر آنان وعده خداوند و رسول خدا است. رسول مکرم اسلام حضرت محمد(ص) در حدیثی می‌فرمایند:

کسانی بر شما حاکم خواهند شد که روزی‌های شما بخورند و [برای توجیه اعمال ناحقشان] با شما سخن کنند و دروغ گویند و اعمال بدی انجام دهند. آنان از شما راضی نشوند مگر آنکه کار زشت [و ناحقشان] را نیکو شمارید و دروغشان را راست به حساب آورید. اگر به حق رضا دادند [و دست از کارهای زشت و ناحقشان برداشتند] مطابق حق با آنان رفتار کنید و اگر از حق تجاوز کردند [بر علیه آنان قیام کنید که] هر کس در این راه کشته شود شهید است.<sup>۱</sup>

حضرت امام باقر(ع) فرمود:

کأنی بقوم قد خر جوا بالمشرق یطلبون الحق فلا یعطونه، ثم یطلبونه فلا یعطونه، فإذا رأوا ذلك وضعوا سیوفهم علی عواتقهم فیعطون ما سألوه فلا یقبلونه حتی یقوموا، قتلهم شهداء، ولا یدفعونها إلا إلی صاحبکم. می‌بینم مردمی در شرق قیام کرده حق را طلب می‌کنند ولی حق را به آنها نمی‌دهند. پس از مدتی دوباره حق را می‌طلبند. این بار نیز از دادن حق به آنها امتناع می‌ورزند. این بار مردم شمشیرهای خود را بر شانه‌ها می‌نهند. پس حاکمان تسلیم خواسته‌های مردم می‌گردند. اما مردم نمی‌پذیرند تا قیام می‌کنند. کشته‌های آنها شهیدند و این حکومت را جز به صاحب شما [حضرت مهدی(عج)] تحویل نمی‌دهند.<sup>۲</sup>

## امریکایی‌ها و قیام ۲۹ بهمن تبریز

اهمیت قیام ۲۹ بهمن تبریز در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی و به چالش کشیدن رژیم ستمشاهی به اندازه‌ای بود که امریکایی‌ها آن را به دقت مورد توجه و تحلیل قرار دادند.

۱. نهج الفصاحه، مجموعه جملات قصار حضرت رسول اکرم(ص)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹، ص ۳۶۹.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی: الغیبه، (تألیف سال ۳۴۲ قمری، اوایل غیبت کبری) تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ ق، ج ۱، ص ۲۷۳.



آنان نیز مانند سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم پهلوی و نیز شخص شریعتمداری و اطرافیان‌ش هیچ اطلاع قبلی از قیام، اهداف و رهبران آن نداشتند و در برابر وقوع و وسعت آن غافل‌گیر شدند. اما در تحلیل نهایی به هدفمند بودن قیام و داشتن رهبری (البته غیر از شریعتمداری) اذعان داشته‌اند. در اسناد لانه جاسوسی امریکا گزارش‌های مفصلی پیرامون قیام مذکور وجود دارد که به گونه خلاصه به مرور آنها می‌پردازیم:

۱. ابعاد گسترده حماسه ۲۹ بهمن آن را از شورشی شهری به قیامی پرشکوه تبدیل کرد. یک روز پس از قیام یعنی در ۳۰ بهمن سولیوان سفیر امریکا در تهران ضمن گزارش قیام تبریز به وزارت خارجه امریکا نوشت:

... ابعاد آشوب در تبریز آشکارا تمام شهر را در بر می‌گیرد. سطح آشوب مایه تعجب است و اگر چه هنوز مشخص نیست که آیا گروه‌های اخلاف گر علاوه بر سنگ و چوب عادی به اسلحه‌های دیگر مجهز بودند یا خیر، ولی شدت و طول مدت تیراندازی دلالت بر چیزی بیش از ابراز مخالفت معمولی دارد.<sup>۱</sup>

۲. کشتار و سرکوب رژیم گرچه در ظاهر قیام را در روز ۲۹ بهمن به پایان رساند، اما انقلابیون بر نامه‌های دیگری داشتند و منتظر فرصت مناسب نشستند. این فرصت در ماه‌های بعد برای گذر از قیامی شهری به انقلاب همگانی به دست آمد. سفارت امریکا در تاریخ ۲ اسفند ۱۳۵۶ در گزارشی تحت عنوان «اغتشاشات تبریز، عواقب بعدی» خطاب به وزارت امور خارجه امریکا نوشت:

... دولت ایران اظهار نمود که آشوب‌های تبریز ۶ کشته و ۱۲۵ زخمی داشته است. مترینکو کنسول امریکا در تبریز پس از بازدید کامل شهر خاطر نشان ساخت که خرابی منطقه تجارتي از آنچه وی فکر می‌کرد وسیع‌تر بود... بر طبق گفته کنسولگری یک خبر غیر رسمی در محافل شناخته شده این است که مقامات تبریز چهار پیام جداگانه دریافت داشته‌اند مبنی بر اینکه یا تمام زندانیان را آزاد کنید و یا اینکه شهر مجدداً منفجر خواهد شد...<sup>۲</sup>

۱. اسناد لانه جاسوسی امریکا، روز شمار انقلاب، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، کتاب نهم، ص ۱۷. نویسندگان پیش‌تر بخشی از اسناد لانه جاسوسی امریکا در مورد قیام ۲۹ بهمن تبریز را در کتاب طوفان در آذربایجان، تبریز، احرار، ۱۳۸۱، ص ۲۱۸-۲۰۶ ارائه کرده است.  
۲. اسناد لانه جاسوسی امریکا، روز شمار انقلاب، کتاب نهم، ص ۱۹.

۳. دریافت‌های اطلاعاتی و بررسی‌های میدانی توسط امریکایی‌ها نشان داد که انقلابیون تبریز به خوبی آماده و تجهیز شده و توسط رهبران قیام، اهداف مورد تهاجم به دقت از قبل مشخص و معین شده بودند. در چنین قیام گسترده‌ای به اموال و مراکز شخصی (غیر از مشروبات و فحشا) آسیبی نرسید و غارتی روی نداد. مترینکو کنسول امریکا در تبریز در تاریخ ۴ اسفند ۱۳۵۶ طی گزارش مبسوطی خطاب به وزارت خارجه امریکا به تحلیل قیام ۲۹ بهمن پرداخته که مفاد اصلی آن چنین است: ... کمی قبل از ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۱۸ فوریه/ ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ گروه‌هایی از مردم که حدود چند هزار نفر تخمین زده می‌شد و بیش‌تر متشکل از مردان جوان بودند، در بازار و منطقه مرکز خرید و فروش شهر گرد آمدند و در پی تلاش پلیس محلی برای متفرق کردن اجتماع‌کنندگان درگیری با شدت آغاز و با سرعت به سایر نقاط شهر کشیده شد... در طی روز همچنان که شورش ادامه می‌یافت، روشن‌تر می‌شد که حمله به ساختمان‌های مختلف از جمله بانک‌ها از قبل به خوبی طرح‌ریزی شده و شورشیان اهداف مشخصی در سر داشتند. مقامات پلیس شهر به طرز عجیبی در برخورد با چنین انفجار خوشنیتی غیر آماده می‌نمودند... نیروهای کمکی که سربازان پادگان‌های ارتش در شهرهای مرند و مراغه بودند به تبریز اعزام شدند. زمانی که این قوای کمکی رسیدند و تیراندازی به سوی جمعیت را به طور جدی آغاز کردند، این شورش در وسعتی به طول ۱۲ کیلومتر از دانشگاه آذرآبادگان [دانشگاه تبریز] در شرق تا ایستگاه راه آهن در غرب و به عرض ۴ کیلومتر از مقر حزب رستاخیز در شمال تا دو خیابان مانده به کنسولگری امریکا در جنوب گسترش یافته بود. با ورود ارتش و خصوصاً حضور تانک‌های چيفتن به صحنه، حملات شورشیان کاهش یافت و اکثر تلفات حاصله به سربازان پیاده نسبت داده می‌شود.

در حالی که برخورد دولت با اغتشاشات در مدت چندین ساعت بدون برنامه و بلااثر به نظر می‌رسید، تاکتیک‌هایی که شورشیان به کار می‌بردند نشانگر آمادگی کامل آنها بود. شورشیان اهداف مشخصی در سر داشتند. ظاهر شدن گروه‌های مختلف در نقاط مختلف شهر و اینکه گروه‌ها به خوبی با مواد آتش‌زا مجهز شده بودند تا نقاط کاملاً





مشخصی را به آتش بکشند حکایت از وجود هسته‌های محرکی دارد که به خوبی از اهداف حملات خود آگاه بودند. به آتش کشیده شدن چنین ساختمان‌هایی که با یکدیگر فاصله داشتند آن هم در زمانی کوتاه، این احتمال که دستجات مردم بدون برنامه‌ریزی قبلی گرد آمده باشند را منتفی می‌سازد.

...منابع رسمی میزان تلفات روز حادثه را ۶ کشته و ۱۲۵ زخمی تخمین زده‌اند... آمار غیررسمی تعداد کشته‌شدگان را ۲۰۰ نفر برآورد می‌کند... ساختمان‌های به آتش کشیده شده به دولت یا بانک تعلق داشت. کارخانه پپسی کولا و برخی مغازه‌هایی که به بهاییان متعلق می‌باشد سوزانده شده‌اند. نکته‌ای که در مورد تخریب ساختمان‌ها توسط جمعیت مشهود بود این بود که آنها به خوبی می‌دانستند که چه ساختمان‌هایی باید مورد حمله واقع شود (به عنوان مثال در مورد ساختمان انجمن ایران و امریکا) و به گونه‌ای به ساختمان‌های مزبور حمله می‌کردند که خانه‌ها و مغازه‌های مجاور هیچ گونه آسیبی نبینند. به ساختمان‌های معمولی در مدت شورش خسارت ناچیزی وارد شد و نشانگر این است که سازمان‌دهندگان جمعیت، کنترل کاملی بر گروه‌های خود برای ممانعت از تخریب اینگونه ساختمان‌ها داشته‌اند. شورشیان دست به غارت نزدند...

... افرادی که شورش را طراحی کردند... حملات آنها علیه بسیاری از مؤسسات که به منظور مبارزه جدی علیه رژیم انجام شد اثرات بلندمدتی در پی خواهد داشت... در درازمدت و مهم‌تر از همه، اغتشاشات تبریز نشان داد که کنترل واقعی رژیم بر استان‌ها می‌تواند از جانب نیروهای مذهبی و اجتماعی مورد تهدید جدی قرار گیرد. نیروهایی که در تهران نادیده گرفته شده بودند، اکنون قوی‌تر از آن هستند که به آنها توجه نشود یا به سادگی آرام شوند. مترینکو<sup>۱</sup>

۴. بر خلاف تبلیغات رژیم پهلوی که شرکت کنندگان در قیام را عناصر مارکسیست یا تزریقی از آن سوی مرزها معرفی کردند، ناظران و تحلیل‌گران امریکایی بر صبغه اسلامی، داخلی بودن آن و تجلی احساسات مذهبی در قیام پای فشرده‌اند. مترینکو



کنسول امریکا در تبریز در ادامه گزارش خود می‌نویسد:

با وجود اعلامیه‌های رسمی [دولت] که جمعیت را مارکسیست‌های اسلامی معرفی می‌کرد، این اصطلاح هیچ‌گونه معنا و مفهومی در مورد آنچه در تبریز اتفاق افتاد ندارد... اتخاذ تصمیم توسط رهبران مذهبی مبنی بر بستن بازار و به تعطیل کشاندن شهر جهت یادبود کشته‌شدگان قم می‌تواند به عنوان یک مبارزه مستقیم علیه حاکمیت دولت تلقی شود. فریادهای مرگ بر شاه و درخواست بازگشت خمینی به ایران را می‌توان به عنوان وسیله‌ای برای ابراز نارضایتی سیاسی و هم بیان اعتقاد مذهبی تلقی نمود.<sup>۱</sup>

سفارت امریکا در تاریخ ۴ اسفند ۱۳۵۶ در گزارشی به وزارت خارجه امریکا ضمن اشاره به جست‌وجوی خانه به خانه پلیس در شهر تبریز برای یافتن شورشیان شناسایی شده و ادامه کنترل شهر توسط ارتش می‌نویسد:

... در مورد دخالت احتمالی روس‌ها در ماجرای تبریز به طور مخفیانه و یا از طریق عمال نفوذی لیبی، سفارت [امریکا] هیچ نشانی، تکرار می‌کنیم هیچ نشانی برای تأیید این نظریه در دست ندارد و تنها چیزی که در مورد حادثه تبریز می‌توانیم بگوییم این است که این واقعه تجلی احساسات مذهبی بوده است.<sup>۲</sup>

۵. در قیام ۲۹ بهمن هیچ آسیب و صدمه‌ای به غیرمسلمانان (غیر از معدود مغازه‌های بهاییان که دشمنی آنها با اسلام، مذهب تشیع و ایران و هماهنگی و همگامیشان با رژیم پهلوی مشخص بوده است و لذا مورد خشم انقلابیون قرار گرفتند) وارد نیامد. انقلابیون تبریزی هیچ خصومتی با هموطنان مسیحی و دیگر اقلیت‌های مذهبی و حتی اتباع بیگانه نداشتند. چنین امری و چنین بصیرتی در قیام‌هایی چنین گسترده اگر بی‌نظیر نباشد، به یقین کم‌نظیر است. مایکل مترینکو در مورد حادثه تبریز با دی یابر پانوسیان اسقف ارمنی‌های تبریز به گفت‌وگو نشست و نتیجه آن را در گزارش محرمانه‌ای به سفارت امریکا فرستاد. مترینکو سخنان پانوسیان را چنین نقل کرده است:

اگر چه وقایع اخیر جنبه‌های سخت مذهبی داشته‌اند، به عقیده وی هیچ‌گونه احساسات ضدمسیحی یا ضدارمنی توسط مردم تظاهرکننده

۱. همان، ص ۲۶.

۲. همان، ص ۳۲-۳۱.



ابراز نشده است؛ در طول درگیری روزانه [در ۲۹ بهمن] به طور دائم با خانواده‌های ارمنی که در سطح شهر پخش هستند در تماس بوده و حتی از بصیرت و احتیاط شورشیان [در جلوگیری از صدمه دیدن مسیحیان شهر] در تعجب فرورفته است.<sup>۱</sup>

---

۱. همان، ص ۳۶.